

هم مهستان :  
مرتحمس بی خواهد با ساسور  
مطهر عاب مردم را درسی خبیری  
بگه دارند .  
باروریا مهای دیواری ویا باجر  
وسله دیگر مردم را از حقایق کس در  
مهستان می گذرد . مطلع سازید .

# کلمه

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۳۳ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قیمت باضمیمه ۲۰ ریال

## بازگشائی دانشگاهها و مدارس و صف بندی جدید نیروها

سرمقاله شماره گذشته را با بررسی موضع وصف بندی نیروهای ملی و مذهبی آغاز کردیم . در این شماره در ادامه آن موضع و موقعیت فعلی و آتی نیروهای چپ را ارزیابی می کنیم .  
صف بندی نیروهای چپ در دانشگاه ها همه فعالیت های دانشجویی را در خود جای داده است . طی سالهای ۴۴-۴۹ مازاد دانشجویی عینا منظور کامل تحت هدایت نیروهای چپ اداره می شد . در آن سالها نیروهای مذهبی فعال نبودند و اگر هم حرکتی از آنها چشم می خورد در حیات جشن دانشجویی ابرجدانی نداشت . سپاهدار سال ۴۹ بود که جناح مذهبی از جناح چپ جدا شد . آن زمان اساسا صف بندی نیروها مثل امروز شکل نگرفته بود مگر با هویت ایدئولوژیک خاصی خود شایسته نبود .

صف بندی امروز نیروهای چپ محصول مرحله معنی آریزد ایدئولوژیک جشن کومپرسی ایران و شکل گیری عقیدتی آن است و درست به همانگونه احساس این صف بندی در درون جشن کومپرسی که مضمون بیرون آمدن خرابیهای اجرائی از آن . درون آن به طبع بار هم سیر ایدئولوژیک . ساسی و تکنیکی جشن کومپرسی ایران سنگی دارد . که این خود گام بزرگی به سوی تشکیل حزب است . امروز در عرصه این جشن دیگر نفس است که بیرونی عمده در جشن کومپرسی ایران . یعنی جشن طبع کارگر ایران . سازمان ما و مسئولیت هر دو کوتاه و یک اندیشی در آن زمینه ششما بر عهده ما است . چنانچه حرکت سازمان در ماههای اخیر را بررسی کنیم . در خواست ما است که این موضوع را هم بیشتر رویه تحکیم خواهد رفت (تنهایی این شرط مهم که مبارزه ایدئولوژیک چه در سطح سازمان و چه در سطح جشن به نحو بکسر جریان داشته باشد) . در همان سایر جریانها مدعی مارکسیسم دو حیط سازمان نامه دیگر در سطح دانشگاهها حضور دارند که یکی هواداران حزب بوده و دیگر نیروهای وابسته به کفران و وحدت است .

حزب بوده که تا سال ۵۵ تقریبا مرده بود از آن زمان به بعد (بعبارت حدیثی بدن گروه متمم از سازمان) حرکت محسوس را در سطح دانشگاهها آغاز کرد . اکنون "مضامین سیاسی" بسیاری از توده های و افعالار سینه وحشی به حدیثی بوده و از سوگند هم آورده است . مضامین سیاسی موجود وسیله دستانه روانه حزب بوده و صاحب آن برای کسب حق حیات قانونی اروا است معیه . موجب شده است که حزب توده بتواند جمع دستداران فعالیت علمی و قانونی را گرد خود آورد . حزب بوده سیاست پذیرش بی محدود و تهریری است الله جسمی و تائید کامل را پیش گرفته است و می خواهد به هر قیمت از این جمهوری اسلامی تائوتی هم به او برسد .  
بفیه در صفحه ۲

## با قرار گرفتن چمران در راس نیروهای مسلح مرتجع ترین جناح هیات حاکمه قدرت سیاسی را قبضه کرد

دادستان انقلاب اسلامی:

### "از نظر اسلام جامعه بی طبقه یک لفظ فریبنده است"

آقای آذری قمی دادستان کل انقلاب اسلامی پس از همه بگیر و ببند ها و دستوراتی که برای اعمال سانسور ، تعطیل مطبوعات ، اراک و سرچشمه دفاتر سازمانها ی انقلابی و مبارز صادر کرد و پس از همه ای اقداماتی که به منظور محو کامل طبقه های دموکراتیک انجام داد . در جریان استعفا ی خود که هنوز هم از چند چوچون خبری نیست بالاخره حزب آخرا از دو پرده آرزوی دیدگاه خود دست بردارده "جامعه بی طبقه" برداشته و صراحتا صراحتا کمال اعلام کرد و اساسا "جامعه بی طبقه" یا "اقتصاد اسلامی" هیچ گونه نظامی ندارد ، دشتی و عتاد خود را سر از "جامعه بی طبقه" پوشیده نداشت . او در این گفتار نشان داد که نه تنها با برقراری "جامعه بی طبقه" و از میان رفتن استعمار نیروهای حاکمیت ندد مخالف است ، بلکه باید گفت حتی تحمل شنیدن اسم آن را هم ندارد . آذری قمی صراحتا بر این نظر خود را در "جامعه بی طبقه" با استناد به موازین اسلام و اقتصاد اسلامی گفت :

"بعضی ها می گویند اسلام و اقتصاد اسلامی مبتنی بر جامعه بی طبقه است یعنی افراد از نظر دارائی و ثروت و از نظر مالکیت همه با هم برابرند و هر چه باشند این لفظ فریبنده است که متاسفانه از بعضی عمده پسران ما هم شنیده ام . . . اسلام از این غیرت ما متفاد کرده که نشان کاری انجام دهد و نتیجتا این اقتصاد اسلامی گفت :

علی محمد عرب  
"نماینده"  
کارگران ایران  
در مجلس خبرگان را  
بشناسیم

آقای علی محمد عرب بنام ارتجاعی ترین جناح مجلس به تائیدی پرداخته تا برای درهم کوبیدن حتی ساده ترین ارگانهای صنفی کارگری اصول و قوانینی دست و پا کند .  
در رژیم سابق رسم بر این بود که نه با ساواکی ها و عناصر کملا و بسته به آن حق ورود به مجلس را داشتند . مردم بر اساس مسئله واقف بودند . بنابراین به رای می دادند و برای وکل جماعت تزه خورد می کردند . اما بعد از قیام و استقرار حاکمیت جدید ظاهرا همه

### ترمیم مجدد کابینه نشان دهنده بحران است که قدرت سیاسی حاکم با آن روبروست .

● دعوا بر سر این است که سرمایه داری وابسته با پوشش "آبرو نندانه" ترمیم شود . با ایران ۱۴۰۰ سال به عقب برگردد و ولایت فقیه تحقق یابد .  
● سه حاکمهای مختلف هاب حاکمه سان دهنده بحران است که قدرت سیاسی حاکم با آن روبروست .  
● ۱- بحران سیاسی . ارماتره سیاسی  
● ۲- بحران اقتصادی . ارماتره سیاسی  
● ۳- بحران فرهنگی . ارماتره سیاسی  
بفیه در صفحه ۲

### بدنبال تصویب ولایت فقیه خیمه شب بازی در مجلس خبرگان وضع مضحکی به خود گرفته است

این روزها "خبرگان" مجلس بررسی قانون اساسی حلی "زیست" شده اند و در مرحله سه چهارم اصل به اصطلاح "قانون اساسی" در مجلس می نشیند . کولایت "ایرانی" در جریان این مجلس فزانی شده است . راضی بوده و می خواهند تریزه زودتر

### چرا دستگاههای تبلیغاتی دولت اینهمه برای شوراها تبلیغ می کنند؟

این روزها حلی ارسورا صحبت می شود . رادورا که با می کسی . ملول و سوسور را کروس می کشی . در حیرانی های متعدد که از طرف خبرگان مجلس به مشاور

### مساله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی خلق کُرد جدا نیست

حزب دموکرات کردستان یک جریان دموکراتیک با گرایش امپریالیستی است که عمدتا متکی به افشار متوسط خلق کرد است .  
در صفحه ۶

### بزرگداشت دکتر رشوند سرداری

مراسم مجلس روز شهادت دکتر مارزبانو العاص رشوند سرداری را با جوادیه این شهید در روز ششم مهر برگزار کردند . در این مراسم جوادیه های شهدای چریکهای فدائی خلق ایران بیامی برای خانواده شهید رشوند سرداری فرستادند . همچنین دسته گلی سر از طرف نارمان چریکهای فدائی خلق ایران برای بزرگداشت این رفیق شهید به این مراسم تقدیم شد .

### تظاهرات وسیع خلق کُرد علیه ارتش و نیروهای ارتجاعی

- هر کجا پاسداران وارد می شوند مردم آنجا را می کنند .
- عدم ای پاسداران پس از اطلاع از ماهیت جنگ با عذر جواهری از مردم کرده شهرهای خود بازگشتند .
- ارتش تعدادی از پاسداران را به جای خلق کرد گلوله باران کرد

۱۱ نفر از آنان را کشت .  
جامعه کنتار روستایان "قاربا" عبادارهای بزرگ بود که حتی صدای خود جامعه آرمیان هم بلند شد . همه مردم حباب به خاطر دارند . امپریالیسم امریکا با تمام حیاتی که درونش مرتکب شد . بر رفتار افکار عمومی نتوانست سینه حیاتی که عوامل پرورین در دهکده "مای لای" مرتکب شد . تاکت شنید این بود که برای فریب توده های دادگاه معاشی شکل داد پروردوران خود را به محاکمه کشید و ستوان کالی را که در اصل محری عتفه های خودشان بود . معسوان

### شاه دیگری رفت اما این بار نیز...

همه کدسه در حالی که سوکاسا امراطور امرغای مرکزی به سفر حوس ار لسی تان می داد توسط یکی از همکاران باغس به نام "دوید داکو" تاسک

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### بازگشایی دانشگاهها و مدارس و صف بندی

غافل از اینکه تنگ نظری ولایت فقیه برای جاکردن حزب توده سرودست آنرا هم (خواهد کرد). بیانیه‌های اخیر حزب توده درباره اوضاع کشور، بیانگر سیاست و سرخوردگی و زبون‌پویی کرپه و چندش آورگی است که تمام تلاشی‌اش برای جلب عطوفت حضرات ناگام مانده و با این همه بازهم در برابر این فجایع سکوت را توصیه می‌کند.

شک نیست که حزب توده با این سیاستی که در پیش دارد در سال جاری نسبت به سال گذشته و بخصوص سالهای قبل رشد کرده و اکثر مارکسیست‌های قانونی طرفدارش در خرد و آرزوهای خود خواهد داد.

اساس حرکت حزب توده بر فعالیت علنی نبوده شده است و در این راه حاضر است به هرکاری تن دردهد که البته با توجه به پشتوانه قدرت نیروهای دموکرات و مترقی (که در دانشگاهها شخصا قابل ملاحظه است) و تضادهای درون رژیم و آشفتگی‌های ناشی از آن که امکان فعالیت علنی برای همه نیروها تا حد محدودی می‌تواند وجود داشته باشد، توده‌ای هاهم طبیعتاً از آن منتفع خواهند شد و به حیات خود همچنان ادامه خواهند داد. سیاست آنان از قیام تاکسون عمدتاً کردن مبارزه علیه لیبرال‌ها و کوشش در جلب عطوفت و سازش با طرفداران ولایت فقیه بوده است و از آنجا که نیروی عمده سرکوب چه در شرایط فعلی نه لیبرالها بلکه همین جناح قشری افراطی بوده است لذا توده‌ای‌ها عموماً بر پایه کوشیده‌اند اعمال ضد مردمی و مرتجعین قشری حاکم را در سرکوب آزادی‌ها، کشتار و غلبه و غیره از چشم مردم پنهان کنند و آنرا کار صهیونیست‌ها و اعمال مزدور امریکا معرفی کنند و این آشکارترین نوع هواداری است. بگذریم. از این نظر رشد تضادهای درونی حزب توده بر سر سیاست وی در برخورد با حاکمیت محتمل‌ترین آینده‌ای است که در انتظار آن است.

ماهواره موظف موضع توده‌ای هادردانشگاه و مواضع سیاست آنان را بطور روشنگرانانه و دقیق برای نیروها تشریح کنیم. سیاستی که سمت اصلی آن تحمیل توده‌ها، پنهان کردن مرز بندی طبقات و عوامل اصلی به شکست کشاندن انقلاب، نیروی عمده سرکوب خلق در شرایط فعلی و کوشش بی دریغ برای تقویت جنبه ارتجاع است. حزب توده نظر به موضعی که در برابر حاکمیت ارتجاعی کنونی دارد عملاً در جنبش دموکراتیک خلق جای ندارد. تجربه گذشته و پیش بینی آینده حاکی از آن است که انزوی حزب توده همچنان ادامه خواهد یافت. بگونه‌ای که این حزب قطعا موفق نخواهد شد با سایر نیروهای سیاسی اپوزیسیون از هر قبیل که باشد اتحاد نیو کند.

#### تحلیل از سایر نیروها در شماره آینده تمام خواهد شد.

### باقر گرفتن جمران در راس نیروهای مسلح

۲- بحران فزاینده و لاعلاجی که اقتصاد سرمایه‌داری وابسته ایران را در خود فرو برده که وجه بارز آن تورم و بیگاری است.

۳- سیر رشد یافته اعتراض توده زحمتکشان و به ویژه کارگران به گرانسی، اخراج و بیگاری.

۴- بحران ناشی از ادامه بی‌فایده مقاومت در کردستان و اعمال قهر در لاورانه خلق کرد در برابر این فجایع. اینها مجموعه موافقی هستند که اساس ترمیم کابینه را توضیح می‌دهند.

۵- جنبه‌های ارتجاعی و محافظه‌کارانه همانند نریزه سرمایه‌داری و طبقه خیره تر هستند.

۶- مصلحت‌اندیشی و مصلحت‌گرایی در جنبش‌های اجتماعی که برای تقویت نظام سرمایه‌داری و طبقه خیره تر هستند.

۷- مصلحت‌اندیشی و مصلحت‌گرایی در جنبش‌های اجتماعی که برای تقویت نظام سرمایه‌داری و طبقه خیره تر هستند.

۸- مصلحت‌اندیشی و مصلحت‌گرایی در جنبش‌های اجتماعی که برای تقویت نظام سرمایه‌داری و طبقه خیره تر هستند.

۹- مصلحت‌اندیشی و مصلحت‌گرایی در جنبش‌های اجتماعی که برای تقویت نظام سرمایه‌داری و طبقه خیره تر هستند.

۱۰- مصلحت‌اندیشی و مصلحت‌گرایی در جنبش‌های اجتماعی که برای تقویت نظام سرمایه‌داری و طبقه خیره تر هستند.

### از نظر اسلام جامعه بی طبقه ...

بقیه از صفحه ۱  
کار به خودش برسد و به تمسیر حقوقی مالک آن شود. . . و حدودی هم برای آن تعیین نگردد است که البته بعضی‌ها برای مالکیت حدودی مشخص کرده‌اند که این اصل درست نیست (روزنامه کیهان ۲۵ شهریور).  
وساده ترکیب از نظر ایشان (یعنی از نظر اسلام به روایت ایشان) برای مالکیت خصوصی هیچگونه حد و مرزی وجود ندارد و وجود طبقات استوار شونده و استثمار کننده کاملاً طبیعی و ضروری و "الاسمی" است و استثمار زحمتکشان هم در جامعه مورد قبول ایشان کاملاً آزاد است.  
از سوی دیگر آقای بنی صدر ادعا کرده است که این آقایان یعنی امثال آقای آذری قمی "لای کتاب اقتصاد توحیدی را نگشودند و یک کلمه از آن بی طبقه توحیدی چه صیغه ای است ... پس از نظر ایشان اقتصاد توحیدی صرف مفت است."  
(روزنامه انقلاب اسلامی - سه شنبه ۲۷ شهریور)

در این زمینه آیت الله طالقانی (فرماندهی) مثل آقای بنی صدر آقای سید احمد خمینی و همچنین از همه حدی تر سازمان مجاهدین خلق ایران سازمانهای مؤلف آن معتقدند که اسلام خواهان از بین رفتن طبقات و برقراری جامعه بدون طبقه توحیدی است. این نیروها که شردیم بر خلاف آقای قمی معتقدند که اسلام برای مالکیت محدود قائل است و به کمک همین حدود و با اتخاذ سیاستهای که هر کدام پیشنهاد می‌کنند می‌توان اختلاف طبقات را کاهش داده و آنرا به تدریج از بین برد.

۱- اظهارات آقای قمی به بهترین نحوی از ماهیت فوق ارتجاعی ایشان برده برداشته و نشان داده و اقتضای آن عنصر مرتجعی در حاس ترین شرایط در راس دادگاههای انقلاب اسلامی قرار گرفته بود.

۲- بدین ترتیب اظهارات ایشان قبل از اینکه روشن - آرد بالاخره "اسلام" طرفدار جامعه سرمایه‌داری است با جامعه

### تظاهرات وسیع خلق کرد

عامل اصلی معرفی می‌کند بقیه از صفحه ۱  
مشی تلگراف خلخالی چنین است.

بسمه تعالی  
دفتر محترم امام خمینی دامت برکاته.

جریانات جانسوز "قارنه دل هر انسانی را می‌سوزاند. ملاحظه نمودم ستور زاده که با قرائن به پیشوازمردم در فتنه عمال مبعودی و سرگردانی و عزیز قسادی و ملاحظاتی آنها را کشته اند و شمت و پهنج نفر به طرز فجیع. اگر امام به این امر جانسوز رسیدگی نفرمائید پس کدام مقام

با احترام - صادق خلخالی  
۵۸/۶/۲۵

بطوری که در خبرنامه کردستان آمده است جناب روستای "قارنه" در شرایطی صورت گرفته که.

روحانی تسنن روستا با قرائن پیش آنها رفته و خواسته بود که به ده حمله نکنند، ولی مهاجمان با سر نیزه قرآن را پاره کرده و روحانی ده راهم تاجد مرگ تشنگ زده و سپس به قتل رسانیده اند. چند تن از باقیمانده جانباخت هولناک "قارنه" از پنجشنبه ۲۲ شهریور در فرمانداری مهاباد متحصن شده و خواهان دستگیری و مجازات عاملین این جنایت شده‌اند.

هم موق گذاشت و تحت فشار مملوئین کارکو و تحت تاثیر تضادهای بی‌سین جناحهای حاکم داریوش فروهر وزیر کار برکنار شد. البته نباید تصور کرد که داریوش فروهر به منظور تامين کردن منافع کارگران، روی افزایش حداقل دستمزد پافشاری نشان می‌داد، بلکه ایس دقیقاً از ماهیت لیبرالیستی اش ناشی می‌شده که تصویری گرد باین وسیله می‌تواند از امتلا و گسترش مبارزات برای کارگران بگاهد و پرتوجه کردن ظاهر به خواستهای صنفی کارگران بالا - بردن مبلغ تاجیری به درمندان آنها را از مبارزات بی امان علیه سرمایه‌داری بازدارد. اما حاکمیت موجود به گونه دیگری عمل می‌کند. او کودن تسر و ارتجاعی می‌تواند است که بتواند به بندبازی‌های بورژوازی اعتماد کند و ساده ترین مانورهای رفتمستی او را تحمل نماید. این است که می‌خواهد با جایگزین کردن قشری تریست و - ارتجاعی ترین نیروها به جای عناصر

بدون طبقه و سرانجام به این دموای بوج که بین جناح های مختلف جریانهایی مذهبی دیگر است پایان دهد. دستکم نشان داده که دادستان انقلاب اسلامی ایران مدافع سرسخت نظام سرمایه‌داری حتی مرحله انحصاری آن و دشمن‌های زحمتکشان است. او آنقدر مرتجع و کند ذهن است که حتی حاضر نیست همچون آقای بنی صدر سرمایه داری را لای زور و بیچدو جای سوسالیم واقعی به مردم قالب کند.

اما درست این است که این دموای بوج را به دقت تعقیب کنیم. نه از این نظر که بالاخره در پیام اسلام مدافع مالکیت محدود و مشروع است یا مالکیت در اسلام حدود ندارد. بلکه از این نظر که ایس بحث خود ملاک موثری در تشخیص موضعگیری هر یک از نیروهای مذهبی در مبارزه طبقات است. پاسخ هر یک از جریانهایی مذهبی به این سؤال به نحو شایان توجهی آن پوست مذهبی را که حول مواضع و شروعات طبقاتی هر یک از نیروها کشیده شده و از کل آنها چیزی به نام "نهبت اسلامی" ساخته است کنار می‌زند و ماهیت طبقاتی هر یک را برملا می‌کند.

پیکری در این مسئله در نهایت نشان خواهد داد چه کسانی تحت پوشش اسلام کمر به خدمت سرمایه‌داری انحصارگر بسته‌اند و کدام نیروها بازهم تحت پوشش اسلام از سرمایه‌های کوچک و اقشار متوسط که سرمایه محدودی دارند دفاع می‌کنند. اگرچه امروز بین قشریون مذهبی و سرمایه‌داران انحصارگر چه از نظر منشاء طبقاتی و چه از نظر اصول عقیدتی مورد قبول به نحو بارزی تضاد وجود دارد. اما باز هم به نحو بارزی در عمل می‌توان مشاهده کرد که قشریون مذهبی از قبیل حضرات آذری قمی ها و امثالهم چگونه و با اقدامات همسان سیاست و همان اقتصاد را می‌پذیرند و سرمایه‌داری انحصاری وابسته و امپریالیزم پذیرفته است. هر چند که تا مدتی ظهور ماهیت مشترک این دو به طول انجامد. اضافه کنیم که تضاد نیست که آقای آذری قمی هم در سیاست به طرز قوی از سرکوب نیروهای انقلابی و تحکیم مجدد

اواون - ارتش، پاسداران راجعی مردم کرد اشتباه گرفت و آنها را با هلی کوبتر گلوله باران کرد که در آن ۱ نفر پاسدار کشته شدند.

این پاسداران که برای فریبجو سرکوبی خلق کرد لباس پشمی رنگ کردند پوشیده بودند می‌خواستند تحت این پوشش به مواضع مبارزین گود حمله کنند ولی در بین راه مورد حمله ارتش قرار گرفتند و در حقیقت در دامی افتادند که خود گذاشته بودند.

جالب اینجاست که در جنبش جنگهای سرکوبگرانه ای دشمن از اینگونه اشتباهات زیاد داشته است. در رویتنام ارتش امریکا بارها مواضع و پایگاههای خود را بمباران می‌کرد و با دستهای ارتش و ستام جنوبی راه جاسای ویت جنگیابورد هجوم قرار می‌داد. ارتش شاه جنایتکار نیز ضمن سرکوب خلقی ظفار چندین بار نیروهای خودش را بجای ارتش آزاد بخش ظفار به گلوله بسته بود.

پانسه - در پانه بیش از ده هزار غر از اهالی شهر روستا به منسو ان اعتراض به رفتار پاسداران و نیسز تیراندازی های بی‌بایی شبانه. در مسجد (حاج ماموستا) متحصن شده و خواهان خروج پاسداران و کنترل شهر به وسیله افراد محلی هستند.

لیبرال، نه تنها موقعیت خود را بی‌شاز گذشته تثبیت کند بلکه با فشار بیشتری توده ها، خود را از این بحران نجات دهد. فاعل از اینک نه تغییر وزیر کار و نه هیچیک از تغییرات دیگر کوچکترین مسئله‌ای را حل نخواهد کرد. جنبش کارگری ایران روز بروز قوام و امتلا ی بیشتری می‌یابد و مبارزه کارگران برای به دست آوردن ابتدائی ترین حقوق خود یعنی ۴۰ ساعت کار در هفته، حق داشتن کار مناسب و دریافت حقوق بکارتی تعیین حداقل دستمزدی که اولاً حد اقل همیشه خانواده کارگر را تامین کند، ثانیا دامناطیق با نرخ تورم تریستیم شود، گوینده و پیگیر ادامه خواهد یافت. علاوه بر این خواستها آنچه که در محیط‌های کار به ساله روز بدل شده است اخراج کارگران بشرو است. رهبران امتصابا تدوران قبل از قیام، تمام کارگرانی که به نحوی سابقه مبارزاتی داشته اند، کارگرانی که اکنون به دفاع طبقه خود در برابر سرمایه داران

دیکتاتوری دفاع می‌کند و هم در اقتصاد از مالکیت نامحدود با بهنر گفته شود از تقویض حق غارت نامحدود با بهنر سرمایه‌داران پشتیبانی می‌کنند و با هم تضاد نیست که جناح دیگر هم در سیاست از حق آزادی بیان و عقیده و حق شرکت مردم در تعیین سرنوشت خویش دفاع می‌کند و هم در اقتصاد مدافع محدودیت در مالکیت است.

"اشکال مختلف مالکیت و شرایط هستی اجتماعی با روینای جامعه‌ای از احساس‌ها و پندارها و شیوه‌های ویژه تفکر پوشیده شده است. مجموع طبقه بر پایه شرایط مادی خود و مناسبات اجتماعی وابسته به آن، تمام این روینا را بوجود می‌آورد و به آن شکل می‌دهد."  
کارل مارکس - هیجدهم برور ۱۸۵۲

بطور کلی باید گفت، همانطوریکه دادستان انقلاب اسلامی از دیدگاه مرتجعین اقتدار مذهبی می‌گوید و همانگونه که در سیمینا بررسی وضعیت اقتصادی ایران به آن اشاره شده است واقعا هم "نظام توحیدی" صرف مفت است و تنها در نظام کمونیستی است که جامعه بی طبقه ظهور واقعی پیدا می‌کند.  
بنابراین آن دسته از نیروهای هم که از روی حسن نیت و به عنوان حمایت از توده‌های زحمتکشی و رسیدن به یک "جامه بی طبقه" می‌خواهند اقتصاد اسلامی را بنا بر اساس دهنده درگ نمی‌کنند که این دلسوزی برای مردم زحمتکش که به رحمانه مورد فارت و استثمار طبقات حاکم قرار گرفته‌اند هرگز برهائی آنان از جنگ نظام طبقاتی منجر نخواهد شد. اوام تخفیلی که آنان برای تعدیل ثروت و از بین بردن طبقات و برقراری جامعه "توحیدی" اندیشیده‌اند تنها با این درمی خورد که خونهای بی دریغی را که خلق زحمتکش در راهی خود از بند ستم امپریالیزم و سرمایه‌داری بر زمین می‌ریزد، بر باد دهند و مانع از میان برداشتن طبقه دست یافتن به عالیترین مرحله تکامل اجتماعی یعنی جامعه بدون طبقه، بدون ستم طبقاتی، بدون زور و ظلم و اجبار خونند

مها با هر مردم مها با از پاسداران تفرات دارند و هر جا که پاسداران قدم می‌گذارند مردم از آنجا دور می‌شوند. مثلا هنگامیکه پاسداران به ماذبه فریضی ها و قهوه‌خانه‌ها وارد می‌شوند مردم آنجا ترک می‌گویند.

در اغلب شهرهای کردستان فریختن جنس و حرف زدن با پاسداران تحریم شده است این مسئله موجب بروز ناراضی شدید در میان پاسداران شده است.

سردشت - تعدادی از پاسداران مستقر در سردشت که وجدانشان پیدا شده و انگیزه اصلی این جنگ را دریافتن به شهرهای خود بازگشتند. آنها هنگام خروج از شهر از مردم عذر خواهی و طلب مغفرت می‌کنند اما از چگونگی این جنگ آگاه نبودیم و حال که همه چیز بر ایمان روشن شده حاضر به برادرگسی نیستیم.

یک عمل ارتجاعی  
موامل ارتجاع بنای یادبودی را که زحمتکشان سندج برای قهرمان شهید خلق کرد "کاک اسماعیل صریف زاده" ساخته بودند خراب کردند. این بنا بهار گذشته در سالروز شهادت سکو ساخته شده و با یورش ارتجاع به کردستان آن را خراب کردند. اگر در آن وقت نظران مرتجع نمی‌داندند که قهرمانان در دل مردم زنده اند.

برخاسته اند، اکنون با توطئه کثیف ضد کارگری اخراج از کار، روبرو شده‌اند. این سیاست به دستور دولت بازرگان و پشتیبانی وسیع سرمایه‌داری که منافع خود را در خطر ندیده اند اتخاذ شده و با تغییر کابینه احتمالاً از طریق طرحهایی که برای کارگران ناشناخته است همچنان تعقیب خواهد شد. اما دولت از این فاعل است که مبارزه کارگری و اتحاد کارگران به چنان سطحی رسیده است که نه تنها با اخراج کارگران، مبارزه آنها تخفیف نخواهد یافت بلکه اعمال این فاعل را مقابله با مهابدی قبل بهر شد با هم بیشتر جنبش کارگری و اعتراضات کارگران در خوزستان، آذربایجان و منطقه تهران، منجر شده است. اگر امروز مردم ایران سرمایه‌داران، کارگران مبارز را از کار اخراج می‌کنند، دور سبت روزی که صف متحد کارگران سا آموختن از کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز سایر کارگران آگاه مدبران و سرمایه‌داران مفت خور و از کارخانه‌ها اخراج کنند.

بقیه از صفحه ۱

علی محمد عرب

### "نماینده کارگران ایران در مجلس خبرگان" را ...

مبارها تضریر کرد و مردم زحمتکش ما به تصور اینکه پس از تحمل سالها فشار و زور دیکتاتوری این بار می توانند با خیال آسوده نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند به پای صندوقها رفتند ولی به استثناء چند نفر که واقعا مورد تأیید مردم بودند بازم وکلای "فرمایشی" از صندوقها بیرون آمدند و شواهد نشان می دهد که در این "فرمایشی ها" هستند افرادی که گویا دارند نقش همان ساواکی های قبلی را بازی می کنند و مخصوص آنها که با طبقه کارگر سروکار دارند خیلی آشکارتر و با وضوح نام خود نقش پلیس سیاسی را بر عهده گرفته اند و دیگران را علنا بر حامی و پشتیبان عقاید و کشف صبح نشريات مترقی می تربی و تنویر می کنند . ما در پی نمونه سندی های پلیسی علی محمد عرب فعالیت های کارگران در مجلس نماینده قلابی کارگران در مجلس خبرگان است .

در این سند علی محمد عرب وقیحانه از کارگران می خواهد حرفه او را انتخاب کنند و علیه یکدیگر سرچینی و جاسوسی کنند . این سند نشان می دهد که این آقای سانس . چاچه پیداست یکی از خردگان سره جاسوسی پلیسی بوده وزیر پیش اسلام سرسینه خدمت سرمایه داری و جاسوسی و جاسوسی کارگری ایران است . . . . . در روزی با پارحنا و انبیا به به چهارمهای پروان و انقلاب آفرین کلمه کارکنان شرکت بافکار اعم از خواهران و برادران عزیز بنابه آیه شریفه فوق الذکر برای تسریع کارهای اجتماعی خصوصا که در جهت احقاق حقوق داگونه باشد هر یک از جامعه و نمایندگان آن وظایف خاصی در مقابل یکدیگر عهده دار می باشد که کلیه آن وظایف در دو مطلب خلاصه می شود . اول هشدارهای حساب شده و صحیح درباره کلیه امور اعم از اقتصادی ، معنوی ، فرهنگی ، سیاسی و سرکوبی دشمن به وسیله اعضا شورای نمایندگان . دوم توجه افراد آن جامعه به تعیین خط مشی ها و فرامین نمایندگان با اعضا شورای .

اینجانب علی محمد عرب که یکی از اعضا شورای شامی باشد به فرد شما هشدار می دهم که چپ نمایان زمانی که بنده در آن شرکت بودم نشریه ای به نام "سناج مبارز" در آنجا پخش می کردند که عامل اصلی آن معلوم نبود . والان آن نشریه را توسعه داد ما تبدیل به مجله نموده با مارک پی هاکه به حدالک حامل و عامل اصلی آن هم برای اعضا محترم شورا وهم برای بنسده شناسایی شده است . لذا تقاضای بنده از فرد کارگران مجاهد این است که از مدیریت و اعضا شورا بخواهد تا آنکه حامل اصلی این نشریه باطل و دورغبرداز را از آن شرکت بیرون کنند و چنانچه نام

میکرد . به این معنی که هم کارگران هم کارمندان هم سرپرست ها هم مدیران در شورا متشکل میشوند و اداره امور را در دست می گیرند و به یک قشر با طبقه همین محدود نمی شوند . همین امر امکانات و پایداری را هم می کند تا موامقتی که می خواهند فاسد طبقه را باستانی کنند و به همین دلیل عملا در خدمت سرمایه گذاران هستند رهبری شوراها را در دست بگیرند و مفاصد خود را به پیش ببرند . در حالی که متصلا سندیکا های کارگری سازمانها می هستند که فقط کارگران را برای رسیدن به خواست های صنفی - سیاسی خود متشکل می کند و به همین دلیل خیلی بیشتر از نفوذ این عوامل غیر کارگری در امان هستند .

پس هدف دولت از پذیرش و تبلیغ این شعار آن است که :  
اولا با ایجاد شوراهای شورتی (که به قول وزیر کار " نمی تواند جانشین مدیریت شود ) سعی کنند شعارتوده مردم را از آنها بگیرند و عملا آن را بی حنی و بقول معروف شیری بال و دم اشک کنند .  
ثانیا حدود مرز طبقه را در هم بریزند و همافشار و طبقات را در یک سازمان متشکل کنند .

ثالثا از ناآگاهی و تا بلات مذهبی توده های مردم و فضای سرکوب و خفقان موجود استفاده کنند و رهبری این سازمانها را در دست بگیرند و عملا این سازمانها را در خدمت منافع و سیاستهای خود قرار دهند و به دنبال خود بکشند .  
اما با دولت شورای انقلاب ب خواهند توانست حدود مرز طبقه را در هم بریزند و مبارز طبقه را علیه یکدیگر سرچینی و جاسوسی کنند . این سند نشان می دهد که این آقای سانس . چاچه پیداست یکی از خردگان سره جاسوسی پلیسی بوده وزیر پیش اسلام سرسینه خدمت سرمایه داری و جاسوسی و جاسوسی کارگری ایران است . . . . . در روزی با پارحنا و انبیا به به چهارمهای پروان و انقلاب آفرین کلمه کارکنان شرکت بافکار اعم از خواهران و برادران عزیز بنابه آیه شریفه فوق الذکر برای تسریع کارهای اجتماعی خصوصا که در جهت احقاق حقوق داگونه باشد هر یک از جامعه و نمایندگان آن وظایف خاصی در مقابل یکدیگر عهده دار می باشد که کلیه آن وظایف در دو مطلب خلاصه می شود . اول هشدارهای حساب شده و صحیح درباره کلیه امور اعم از اقتصادی ، معنوی ، فرهنگی ، سیاسی و سرکوبی دشمن به وسیله اعضا شورای نمایندگان . دوم توجه افراد آن جامعه به تعیین خط مشی ها و فرامین نمایندگان با اعضا شورای .

## جرا دستگاههای تبلیغاتی دولت اینهمه برای شوراها . . .

انتهاست (جا بپندارند . صحبت کردن از شوراموضوع تازه ای نیست . ما از مدتی قبل از قیام این شعار را مطرح کردیم و همسپس نیز بدفیات بر آن تاکید کردیم و بعد ما هم گفتیم که شوراها در جریان قیام بسپس ماه موجود آمدند و در اثر خواست توده مردم برای اعمال قدرت خودشان ، یعنی تصمیم گیری و اجرای آن تصمیمات توسط نمایندگان منتخب خودشان شکل گرفتند ، شوراها از طرف مردم (کارگران ، دهقانان ، پرستار انقلابی ، کارمندان و غیره ) بوجود آمدند تا جایی حالی قدرت از هم با شیده رژیم شاه را پس کنند و خواستهای صنفی و سیاسی آنها را به اجرا در آورند .

اما اینکه مجلس خبرگان و شورای انقلاب که خواستهای تا بلات و نظر بسایات روحانیت را بیان می کنند ، شوراها پذیرفتند و دولت را در باره قبول اجرای آن کسر کرد ، مسئله دیگری است که جا دارد به علل آن بپردازیم .  
به نظر ما مهمترین علت پذیرش شورا از طرف حاکمیت سیاسی فشار شدید توده مردم بود که به " فشار از پایین " معروف است دولت و شورای انقلاب مدتهای زیادی سعی کردند قضا را بر سر بسپلی در کنند و به فریاد های توده مردم توجهی نکنند و بسا حدودی هم موفق شده بودند به مسردم بپندارند که گوششان این حرفها را نمی شنود اما مردم که مدتها مبارزه کرده بودند و حدی آگاه شده بودند و می خواستند در تصمیم گیری و اجرای انقلابی آن سهم باشند ، نیز حاضر بگویند که مدتی نبودند . آنها هم نسبتا اینجا و آنجا فریاد خود را بلند کردند .

از طرف دیگر کارگران مجاهدین خلق ایران و سازمانهای مختلف آن هم که خواست های دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم را بیان می کنند ، به تبلیغ این شعار توجه داشتند و اینجا و آنجا در هر فرصتی که پیش می آمد ، آنرا توضیح میدادند . آیت الله طالقانی هم هر مورد پذیرش این سازمانها هم تا آخرین روزهای حیات سراپا مبارز و مبلغ و مدافع این خواست توده مردم بود . همین امر باعث شد که خرس نطقی و عقیده پیدا دولت را مقید کرد که گوش را به روی این خواست مردم باز کند و " تبلیغات " و " شمشیر را آغاز کند .

علت دیگری که باعث شد دولت با این شعار تن به هدود و جود آنرا بپذیرد ، در کارخانه ها ، بیژد آن بود که شوراها تمام افراد شاغل در یک واحد تولیدی را در برسر

کودتا اعتراف نمودند و با بی شرمی ماهیت امپریالیستی کودتا را افشای ساختند . بوگاسا در سال ۱۹۶۵ با داداشین تابعیت فرانسوی به ریاست کمیته شورای مرکزی برگزیده شد و در سال ۱۹۶۶ خود را به مقام امپراتوری ارتقا داد . وی در راه تمام مصالح آریا بان جهان خواری همچون سایر مزدوران از هیچ جنایتی فروگذار نکرد . او با وضع قوانین قسرون و سلاطین ، فرور بردگی را بر اکثریت مردم کشوری که از بزرگترین تولید کنندگان المان و طلا ی آفریقای با شند ، تحمیل کرد . مبارزات ضد استعماری و آزادی بخش مردم آفریقای مرکزی که به ویژه در ارتباط با جنبش های خلقی جدید - سودان - کنگو برار اوایل از زمینه رشد مساعد برخوردار بود به وحشیانه ترین شکلی سرکوب می شد و شدت از ایجاد هرگونه تشکیلی جلوگیری می شد . کشتارهای دسته جمعی از مردم متعرض و به جان آمده در این کشور از جمله کشتار دانش آموزان یک دبیرستان در "بانگی" یکی از افتخارات بزرگ این امپراطور به شمار می رفت . محرابان قوانین امپراطوری که خود جفاظا استیست چپاولگری و غارت ثروت های بی کران خلق بودند افرادی را که از فرط گرسنگی و فقر برای لقمه نانی دست به سرقت می زدند . - رولا - هام تازه نامور کردند می زدند . جنایات این مزدور آنچنان کینه خلق را برانگیخت که دیگر برای امپریالیسم فرانسه حمایت آشکارا از این امپراطور به صرف نبود و همین دلیل از ترس و اجسکی مبارزات مردم که بی شک سلطان



نمونه سندی از فعالیت های پلیسی علی محمد عرب

شورا باید به دو نکته مهم همواره توجه کامل داشته باشد - بقا - شرکت .  
۲- رسیدن کارکنان آن به حقوق طبیعی خود که این دو همواره لازم و ملزوم و یکدیگر و از هم تفکیک ناپذیرند و باید افراد توطئه گر را که مسیرشان از اسلام و انقلاب جداست ارشاد کنند و چنانچه متنبه نشوند اعم از کارگر و کارمند خارج کنند و از داخل شدن خبرنگاران و عکاسان که مورد اطمینان نیستند جلوگیری نمایند و اصحابه با افراد مغرض و توطئه گر خودداری نمایند . . . . . انجام کلیه دستورات مذکور مقدمه ای است برای به حقوق طبیعی خود رسیدن و در تانسی نظم و آرامش در همه جای مملکت حکم فرمادند و ثالثا شرکت کردن نمایندگان کشاورز و کارگر در این سده در مجلس شورای ملی و کفدراسیونهای بین المللی .

روزنامه جمهوری اسلامی  
شنبه ۳۱ شهریور  
در نتیجه نه تنها آقای بهشتی بلکه خود برادر عرب بهتر از هر کسی دیگری می دانند که مقصود از "اهداف مشروع" و "نظم و امنیت" برای "کلیه موسسات و کارخانجات" چیست و "توجه کامل به بقا" این شرکتها را در شرایط و وضعیت کنونی و با توجه به روابط حاکم ما بین کار فرما و کارگران یعنی چه . و احتیاج به توضیح ندارد که در شرایطی که وحشیانه ترین اشکال استعمار و شدیدترین فشارهای اقتصادی بردوش کارگران و کشاورزان ماستگینی می کند این اصول را به عنوان وظایف اساسی کارگران و کشاورزان قرار دادن و "انجام کلیه دستورات را وسیله رسیدن به حقوق طبیعی" آنها دانستن ، همراه باشه فرامی که در واقع برای احراق عناصر آگاه از درون کارخانه ها صادر شده است چه حد فریب توده های ناآگاه استر تا کیده ای که چگونه با معر ه های جورواجور آفران کارگران و کشاورزان راه اطاعت کورکورانه از کار فرما ه های خون آشام مجبور سازند .

## شاه دیگری رحمت اما . . .

استعمارگرانه اش را به ناپودی تهدید می کرد دست به کار تهیه زمینه کودتای اخیر شد .  
آری دیگر دوران تکیه امپریالیسم بر دیکتاتورهای بی برده و سرکوبگر و مزدوران شناخته شده اش به سر آمده است . آخرین امید غارتگران برای حفظ سلطه استعمارشان روی کسار آوردن مهرهای ناشناخته ای است که کمتر مورد نظر ملتها باشند و این همان سیاست مرورانه ای است که جهت منصرف ساختن مبارزات توده ها و فریب آنها به کار گرفته می شود . سیاستی که باید آن را حاصل تجربه امپریالیستها در مقابل بسا جنبشهای انقلابی در سراسر جهان دانست . امپریالیستهای خواهند نسا جایی که ممکن است از تکرار دردسرهای که با جنبشهای از زمینهای چون سوئول شاه - سوئور او دیگران دانش گیرشان شده است جلوگیری کنند .  
رفتن بان اسبیت و آوردن حضرت اسقف موزوروا هم صرف نظر از ویژگی هائی که دارند نمونه ای از همین سیاست است اما سرشوش تمام آبریزم ها و تصمیم حیلگری ها و توطئه های امپریالیسم به شهادت تاریخ مرگ و نابودی است .  
پیروزی از آن خلقیات . هر چند امپریالیستها و نوکرانشان هرگز به سادگی تسلیم نخواهند شد . از این روی رژیم جدید آفریقای مرکزی نیز آماج مبارزات بی امان خلق خواهند بود و تضمین بوگاسا ناشکلی که صورت پذیرفت قادر به فرونشاندن آن مبارزات نخواهد بود .

## حق تعیین سر نوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

# علت انقلاب چه بود؟

## گزارش یکی از جلسات شورای کارخانه درمن دیزل تبریز توسط یکی از کارگران

روز چهارشنبه ۲۱ شهریور کارگران برای انتخاب اعضای جدید شورای تصمیم گیری در مورد هنرور از میان سرمایه داران جلسه ای تشکیل دادند.

ابتدای یکی از روحانیون تبریز به نام بنای که برای باز دید به کارخانه آمده بود پشت تریبون فرار گرفت و گفت: "انقلاب ایران یک انقلاب سیاسی نبود. زیرا اکثر مردم ماناگاه بودند و هیچکس انتظار نداشت یک مرتبه به خیابان هار پخته علیه دستگاه حاکمه شعار بدهند. حال بنیمن علت انقلاب چه بوده است؟"

طبق اظهارات آقای بنای علت انقلاب ایران هنوز بر حاشیه شناخته شده است. نیروز نیست چون ۵ سال غفغان در کشور مانع از رشد آگاهی سیاسی ملت ایران شده بود و ملت نمی توانست از وضع مملکت با خبر باشد. ایشان با این مسئله مقدمه چینی علل انقلاب ایران را طبق نظرات خود اینطور توضیح دادند.

"ملت ایران ناآگاه بود و مسأله نئی دانیم چطور شد یک مرتبه همه مردم به خیابانها ریختند و ملی مردم به دین خود متعصب و معتقد مراجع دینی می باشند و وقتی ما از مردم می پرسیم چرا انقلاب کردید؟ می گویند رهبر ما اینطور خواست و ما نیز اینکار را کردیم. وی اضافه کرد:

"بله ما برای دین انقلاب کردیم. نه برای پائین آوردن قیمت خواروبار هندوانه و خربزه. مادر آن موقع کارخانه ها را تعطیل کرد و مادران پول بانکها را به آتش کشیدیم زیرا اینها مال خانواده های لالیان همه چیز به ما تعلق دارد. الان انقلاب خانه بافته دوره سازندگی است و کم کاری غیبت است. ما نباید به مسائل جزئی اهمیت بدهیم. اگر حقوق ما ۵ یا ۱۰ تومان کم و زیاد باشد اهمیت ندارد. سپس مسئله هنرور پیش کشیده شد. یکی از کارگران گفت:

"این آقای هنرور موقع آمدن به کارخانه هیچی نداشت ما نمی دانیم چطور شده الان وی نیز صد هزار تومانی دارد ما هم می نداریم؟"

آقای بنای برای طفره رفتن از پاسخ با جمله گفت: "من نمی دانم. اصولاً این حرفها به ما مربوط نیست. من اورا نمی شناسم. شما برونده این شخص را به دادگاه انقلاب اسلامی بدهید دادگاه درباره او قضاوت

خواهد کرد." یکی از کارگران جواب گفت: "آقای بنای. حالا شما در جمع ۴۵ نفری هستید و می بینید همه با اعراج وی موافق هستند. مگر نظر ۴۵ نفری که این فرد را می شناسند. کافی نیست؟ وانگهی، ما یک ماه است پیرونده را به کمیته فرستاده ایم ولی تاکنون رسیدگی نشده است."

در اینجا آقای بنای که به نظر می رسید شدیداً عصبانی است با لحن مسخره آمیزی گفت: "شما با خواب بودید یا به حرف من گوش نکردید. من گفتم پیرونده را با حضور اعضای شورای به دادگاه انقلاب بفرستید نه کمیته. چون کمیته مرجع نیست. در این موقع بین کارگران همیشه در گرفت. یکی از آنها گفت:

"آقای بنای، شما می گوئید به کارهای جزئی نپردازیم پس چرا به مسئله این هنرور که در حدود یک ماه است وقت کارگران را گرفته و تا به حال چندین جلسه در این مورد تشکیل شده است؟ می گوئید بنای. "بله منم همین را می گویم" یکی از کارگران گفت: "آقا. چند بار به مراجع گفته ایم ولی رسیدگی نمی شود. در این موقع یکی از کارمندان که خوشگین شده بود گفت:

"آقایان! آخر چه مرجع؟ اصلاً مرجع چه کاره است؟ تا به حال چهار مرتبه مراجع به کارخانه آورده ایم، نتیجه ای حاصل نشده. این دفعه استناد دار را به اورا می فرستیم. اگر چه مراجع در اینجا بنای بسیار با فرورخته شده گفت:

"جناب اجل اشرف. بنده به دعوت کارگران اینجا آمده ام و از آن گذشته این ما هستیم که به خود استناد داریم کمک می کنیم و هر جا می رفتیم تا به امروز از آقای استناد داریم. یکی دیگر از کارگران گفت:

"همه می دانید که ما از زبان رژیم تاکنون علیه دزدی ها و غارتگری های هنرور سازره کرده ایم ولی هنوز نتوانسته ایم اورا به سزای اعمالش برسانیم. دیروز هم به کمیته شریانی رفتیم. اگر می کشند من می گویم همه بدانید که شریانی سر بردار هنرور است و من دادم مرتب از او طرفداری می کرد. یکی از اعضای شورا هم این موضوع را تائید کرد."

# آیا ایران به اسرائیل ...

بقیماز صفحه ۸

اگر دولت موقت از آن روزها ملات تجاری شرکت ملی نفت ایران و افریقای جنوبی (باتوجه به مدارکی که ارائه شده بود) اظهار سیاسی اعلامی می کرد ملتنا حالا باید بدانند که محموله کشتیهای بریتیش ترینت و اجنیا راهی کدام کشور امیرالیستی و صهیونیستی است؟ اگر بازم نمی داند شاید متن خبری که خبرگزاری رویتر مخابره کرده است تا حدودی روشنگر قضیه باشد. چون اگر دقت کنیم قرابت زیاد بین قرارداد مصر و اسرائیل بر سر فروش نفت سینا و کشتی هائی که از ایران به طرف مقصد عین الفخاد کانال سوئز حرکت کرده است وجود دارد.

متن خبر خبرگزاری رویتر بیت المقدس - رویتر ۲ شهریور ۵۸ مناجیم بکین نخست وزیر اسرائیل دبروز گفت که امکان خرید نفت از مصر در ملاقاتش با نونو سادات که ماه آینده در حقیقت صورت خواهد گرفت، مسود د مذاکره قرار خواهد داد که وی به کمیته دفاع و امور خارجه پارلمان اسرائیل گفت. کما مگان خرید نفت از جاهای سینا و سالیه نفت را با سادات مورد مذاکره قرار خواهد داد. مقامات دولت اسرائیل اظهار امیدواری کرده اند که سالانه دو میلیون تن نفت از جاهای نفت سینا که قسراً است تا پایان سال جاری به مصر تحویل دهد خود داری کنند.

# پاسخ يك كارگر به وزير شهرسازي

## در مورد دستور تخلیه خانه های مصادره شده

فراوانی دارد می خورد نه به درد عده ای که به خاطر موقت ناشی از انقلاب که همه آنها توجه طبقه محروم کردند که می بایست با رستگین چنین عوامل سرسپرده سرمایه داران را به دوش بکشند و در کمیته هابه عنوان صد انقلاب تعقیب و محاکمه شود.

آقایان! خیال خام در سردارید. اگر ما زیر بار حرف زور می رفتیم در خیابان رژیم گذشته پایه فرار نمی گذاشتند. ما که چیزی نداریم در مقابل نبرد از دست بدهیم. برای ما مردن بهتر است از سترو گرسنگی و تهدید و آزار عده های وابسته به سرمایه داری کثیف عوامل رژیم گذشته. که بود که با سرگردن سینه خود در مقابل رگبار گلوله هالزره براندم در خیابان انداخت و پناهنده زان و مردان واقعی این انقلاب را به وجود آورد. که شماها در پشت میزها پنهان بنشینید و لا محاله تصویب کنید و وام های هزار تومانی بدهید که مردم فقیر و بیچاره را به طرف نیستی تمام صیاری سوق دهید. آیا شما بگردازید (به ملت بیکاری) از شما خواهد که فرزند زهری را بگردازید در سلطنت کارفروران است گوی بروید کارگری کنید و با این امثالان انقلاب اسلامی ما را لکه دار نکنید. به چه موجهی آقای مسئول فلان کمیته در مورد اختلافات مالک و مستاجر دعالت می کند و وقتی منافع آربابان را که هم اکنون در امریکا مشغول خوشگذرانی است کمی به خاطر می افتد به شدت ناراحت می شود و قانون اسلام را به رخ مردم می کشد و از سرمایه داران و مالکانی که سالها خون مردم را می کشیده اند و با میلیونها تومان پایه فرار گذاشته اند، دفاع می کنند و در مقابل دوستانشان که همه جزوات خاصی بودند که از همین آرباب حق دلالتی و سهم اسماء می گرفتند، مردم را تهدید می کنند و آقا منزل را خالی کن. به حق کسی تجارز و نکند و صد هانصیحت بی حاکه همه آنها به درد آنها می که حسابهای بانکی

فراوانی دارد می خورد نه به درد عده ای که به خاطر موقت ناشی از انقلاب که همه آنها توجه طبقه محروم کردند که می بایست با رستگین چنین عوامل سرسپرده سرمایه داران را به دوش بکشند و در کمیته هابه عنوان صد انقلاب تعقیب و محاکمه شود.

آقایان! خیال خام در سردارید. اگر ما زیر بار حرف زور می رفتیم در خیابان رژیم گذشته پایه فرار نمی گذاشتند. ما که چیزی نداریم در مقابل نبرد از دست بدهیم. برای ما مردن بهتر است از سترو گرسنگی و تهدید و آزار عده های وابسته به سرمایه داری کثیف عوامل رژیم گذشته. که بود که با سرگردن سینه خود در مقابل رگبار گلوله هالزره براندم در خیابان انداخت و پناهنده زان و مردان واقعی این انقلاب را به وجود آورد. که شماها در پشت میزها پنهان بنشینید و لا محاله تصویب کنید و وام های هزار تومانی بدهید که مردم فقیر و بیچاره را به طرف نیستی تمام صیاری سوق دهید. آیا شما بگردازید (به ملت بیکاری) از شما خواهد که فرزند زهری را بگردازید در سلطنت کارفروران است گوی بروید کارگری کنید و با این امثالان انقلاب اسلامی ما را لکه دار نکنید. به چه موجهی آقای مسئول فلان کمیته در مورد اختلافات مالک و مستاجر دعالت می کند و وقتی منافع آربابان را که هم اکنون در امریکا مشغول خوشگذرانی است کمی به خاطر می افتد به شدت ناراحت می شود و قانون اسلام را به رخ مردم می کشد و از سرمایه داران و مالکانی که سالها خون مردم را می کشیده اند و با میلیونها تومان پایه فرار گذاشته اند، دفاع می کنند و در مقابل دوستانشان که همه جزوات خاصی بودند که از همین آرباب حق دلالتی و سهم اسماء می گرفتند، مردم را تهدید می کنند و آقا منزل را خالی کن. به حق کسی تجارز و نکند و صد هانصیحت بی حاکه همه آنها به درد آنها می که حسابهای بانکی

بقیماز صفحه ۸

تنگر اف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به جنبش آزادبیشی خلق "نگسولا" میبلا

## گرامی باد

یاد رفیق آگوستینو تو...

ودر راه مبارزه برای رهائی ملی مصروف می کنند بسی تأثر آور است. رفیق نسو نمونه یک انقلابی راستینی بود که با متفق به توده ها به مبارزه پیوست. وی با اعتقاد به اندیشه های سترک مارکسیسم - لنینیسم مبارزه قهرمانانه خلق آنگولا را در "جنبش آزادبیشی خلق آنگولا" میلا علیه استعمار گران پرتغالی رهبری نمود و توانست با قدرت لایزال توده ها و پیشانی بی دروغ همگام شود و با ترقیخواه جهان استعمارگران را از آنگولا بیرون براند.

پس از پیروزی رفیق نتو در راه وحدت انقلابی خلق آنگولا و علیه نیروهای ارتجاعی داخلی کوشش عظیم نمودی با اعتقاد به ادامه انقلاب تا سوسیالیسم همواره با تمام تلاشهای که برای به ثبوت کشاندن انقلاب آنگولا انجام می گرفت پیگیرانه مبارزه نمود. وی در مبارزه برای رهائی آنگولا همواره به رابطه تنگاتنگ مبارزه خلق آنگولا و سایر خلقهای تحت سلطه افریقا و نیروهای ترقیخواه جهان تأکید می کرد و هر روز در دستحکم تر نمودن پیوند مبارزاتی با انقلابیون نامیبیا، زیمبابوه و افریقای جنوبی و سایر خلقهای قهرمان افریقا مجاهدت می نمود.

در گذشت رفیق سترک ضایعه ملی برای خلق کبیر آنگولا به شمار می رود ولی ما ایمان داریم که رهنمودها و میراث انقلابی این انقلابی کبیر همواره ستاره راهنمای خلق آنگولا خواهد بود. خلق ایران و نیروهای انقلابی در گرامی داشت یاد این مبارز راه آزادی خلقها با خلق آنگولا خود را سهیم می دانند.

# اخبار جهان

## اعتصاب کارگران برای افزایش دستمزد در هلند

در حدود ۱۵۰۰ کارگر بارانداز در بندر آمستردام ونزدیک ۳۰۰۰ کارگر کشتی کارخانجات کشتی ران فذایی هلند برای افزایش دستمزدها دست از کار کشیدند. اعتصاب کارگران بارانداز بندر آمستردام سرمایه داران را در روز ۷ شهریور مجبور به پذیرفتن مذاکره با اتحادیه های کارگری برای رسیدگی به خواسته های کارگران کرد.

## موج اعتصابات در ایتالیا

همچنین ۱۸۰ هزار کارگر حمل و نقل عمومی ایتالیا در روز ۲۶ شهریور ۵۸ به یک اعتصاب ۲۴ ساعته دست زدند. در این اعتصاب موقع ترافیک در این کشور مختل شد. این اعتصاب در پی درخواست اتحادیه کارگری برای انعقاد یک قرارداد جدید کار افزایش دستمزد صورت گرفت.

## تظاهرات علیه رئیس جمهور نظامی السالوادور

در پی بورش و حیثانه گاردها با صلاح ملی السالوادور به تظاهرات کنندگان ضد دولتی، در روز ۲۵ شهریور ۵۸ در میان سالوادور که فریاد می زدند "قیام تنهارا ه نجات است" و گشتن تعداد بیشماری از مردم السالوادور، رژیم نظامی کارلوس زومرو "بکام به سقوط نزدیک شد.

در این میان حوین فلورنسر همسر "بلوک انقلابی خلق السالوادور" که تا سال اتحادیه دهقانان، کارگران و دانشجویان است. خواستار استعفا فری رئیس جمهوری نظامی این کشور شد و اعلام کرد که تظاهرات خیابانی ضد دولتی همچنان ادامه خواهد یافت.

بقیماز صفحه ۸

تنگر اف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به جنبش آزادبیشی خلق "نگسولا" میبلا

## گرامی باد

یاد رفیق آگوستینو تو...

ودر راه مبارزه برای رهائی ملی مصروف می کنند بسی تأثر آور است. رفیق نسو نمونه یک انقلابی راستینی بود که با متفق به توده ها به مبارزه پیوست. وی با اعتقاد به اندیشه های سترک مارکسیسم - لنینیسم مبارزه قهرمانانه خلق آنگولا را در "جنبش آزادبیشی خلق آنگولا" میلا علیه استعمار گران پرتغالی رهبری نمود و توانست با قدرت لایزال توده ها و پیشانی بی دروغ همگام شود و با ترقیخواه جهان استعمارگران را از آنگولا بیرون براند.

پس از پیروزی رفیق نتو در راه وحدت انقلابی خلق آنگولا و علیه نیروهای ارتجاعی داخلی کوشش عظیم نمودی با اعتقاد به ادامه انقلاب تا سوسیالیسم همواره با تمام تلاشهای که برای به ثبوت کشاندن انقلاب آنگولا انجام می گرفت پیگیرانه مبارزه نمود. وی در مبارزه برای رهائی آنگولا همواره به رابطه تنگاتنگ مبارزه خلق آنگولا و سایر خلقهای تحت سلطه افریقا و نیروهای ترقیخواه جهان تأکید می کرد و هر روز در دستحکم تر نمودن پیوند مبارزاتی با انقلابیون نامیبیا، زیمبابوه و افریقای جنوبی و سایر خلقهای قهرمان افریقا مجاهدت می نمود.

در گذشت رفیق سترک ضایعه ملی برای خلق کبیر آنگولا به شمار می رود ولی ما ایمان داریم که رهنمودها و میراث انقلابی این انقلابی کبیر همواره ستاره راهنمای خلق آنگولا خواهد بود. خلق ایران و نیروهای انقلابی در گرامی داشت یاد این مبارز راه آزادی خلقها با خلق آنگولا خود را سهیم می دانند.

## اعتصاب

### ده هزار نفری

### کارگران نفت در هند

بشازده هزار کارگر شرکت نفت هند روز ۲۲ شهریور ۵۸ دست به یک اعتصاب زدند. در پی این اعتصاب این کشور با کمبود مواد سوختی روبرو شد و شرکت هواپیمایی هند مجبور شد اکثر پروازهای خود را لغو کند. کارگران شرکت نفت هند که به پشتیبانی از مبارزاتی، با لایحه مخط لوله لمرادر بر می گرد، خواستار افزایش دستمزد دورفاه بیشتر هستند.

# سلب آزادی مطبوعات زمینه ای برای سرکوب خلق



# راهپیمائی دانش آموزان تبریز طلیعه تداوم ییعداری در آستانه سال تحصیلی جدید

راهپیمائی دانش آموزان تبریز برای لغو شهریه و اعلام رسمی آزادی فعالیت های سیاسی، بشارت و سرآغازی دیگر است. انبوهی از دانش آموزان دبیرستان های تبریز در تاریخ ۲۲ شهریور ۵۸ بمدار اجتماع در دبیرستان دهقان، به خیابان آمدند، بهم پیوستند و با وجود تهدید و ارباب زر - بدستان دسته دسته خود را با اداره کل آموزش و پرورش رساندند. شعارهای این راهپیمائی که نشانده سیاسی مبارزاتی نیروهای جوان کشور است لغو شهریه بود. آزادی فعالیت های سیاسی بود. تشکیل شوراهای منتخب دانش آموزان بود و نیز تصفیه مدارس از عوامل ساواک و اعلام آسای تصفیه شان. آنها در اعلامیه خود تاکید کرده بودند که وجود شهریه تحکیم مبانی جامعه طبقاتی است. مدرک آموزش و پرورش در نتیجه این اعتراضات متزلزل و متزلزل تر است. ۲۴ شهریور ۵۸ تنها به اعلام رسمی لغو شهریه بسنده کرد و در مورد آزادی فعالیت های سیاسی به قول شغالی پناه برد. دانش آموزان فریاد می زدند: "ما از مراجع قانونی قولهای شغالی بسیار شنیده ایم. آنها تا کدی داشتند که باید رسماً فعالیت های سیاسی آزاد اعلام گردد. آنها نه تنها با خضاع آنها خواستار آن بودند که آزادی فعالیت های سیاسی رسماً آزاد بویلتویون نیز اعلام گردد. شعارهای این تظاهرات شامل اینها بود:

شهریه مدارس الفبا یادگردد  
فعالیت سیاسی آزاد یادگردد  
شوراهای منتخب تشکیل یادگردد  
گرفتن شهریه مستصفا فراتر  
مستصفا فراتر  
القاضیه مورد در خواست  
ماست آزادی سیاسی ندای  
قلبی مستصفاست

بعد از قیام چنین پنداشته می شد که هیئت حاکمه دست کم این توان را دارد که در نهادهای اجتمای به تصفیه رابطه و رابطه ها برادران دوازدهم رهگذر خود را انقلابی بنمایاند. اما ماهیت ضد دموکراتیک و ضد کارگری هیئت حاکمه برای تحکیم مواضع نظامی اقتصادی امپریالیسم انجمن آموزش به دست آوردهای سیاسی قیام خونین خلق برده که برای همیشه بر این بندارها خط بطلان کشید.

رژیم کنونی که بر شتاب در راه منافع غارتگران جهانی و ارتجاع داخلی گام بر می دارد تا کارگران بران ها بی که در پیش دارد، به ویژه بحران های نزدیک سیاسی و فرهنگی غافل مانده است و چنین است که در آستانه احتمالی وقوع هر بحران، به تلاش های مذبحانه برای تحمیل مردم به ویژه نیروهای جوان و مبارز کشور دست می زند.

آموزش و پرورش که به دلیل تجمع و ترکیب نیروهای جوان جامعه با یکدیگر است، طبقاتی گوناگون ماهیتها دی سیاسی نبرست است. با توجه به رشد سیاسی این نیروها در جریان جنبش خلق و ادامه پرشور این مبارزات از قیام تا امروز با توجه به روشمندی های دموکراتیک و انقلابی نیروهای پیشگام جامعه، پس از این یکی از گوناگون های پریش مبارزه برای باز ستاندن دستاوردهای مبارزانه و رفاهت و رفاهت خواهد بود.

تردیدی نیست که دانش آموزان کشور با نهای دیگر نیروهای مترقی و مبارز لحظه ای در برابر اجفاف و سانور و خفقان آرام نخواهند نشست و مدارس را به کانون های کوچک آموزش مبارزه بدل خواهند کرد زیرا پس از آن همه تجربه خونین امروز به روشنی پدیداست که پذیرش هرگونه آموزشی جدا از آزادی های سیاسی به مفهوم تن دادن به سرکوب و اختناق و نابودی فرهنگ مبارزه خلق و پیشگامان روشن گرش خواهد بود. وهم از این روست که طلعه مبارزاتی

# بخشی از پیام دانش آموزان مبارز کمانشاه به مناسبت اعزام رفیق گرجی بیانی درود بیکران خلق به رفیق شهید ...

از دولت بازگان و برترتجمین و دارو دست شان بیشتر از اینها توقع نداستیم. چون خودشان هم کم باز داد از همان طایفه "بولدراها و گردن کلفت ها" و متغورها هستند. خودشان هم می خواهند به طریقی سوار شوند تا اسد سوار باشند. اینها کارگر با کارگرزاده یا دهقان و زحمتکش نبوده اند که از این کارهای کم می کنند آدم تجمک است. و اینها، هم رنگ حظری است برای مسلمانان خوشین و ساده لوح و ما بدیم چقدر راحت از مزدورانی چون چمران ها و فلاحی ها قهرمان ملی قلابی ساختند. همانکه ارتش ملی قلابی ساختند. همانکه ارتش ملی قلابی ساختند. همانکه بانک ملی قلابی ساختند. همانکه سابع ملی قلابی ساختند. همانکه باسدار انقلاب قلابی قلابی ساختند. همانکه مجاهدین قلابی ساختند و همانکه حیلی چیزهای قلابی دیگری ساختند.

آیا مگر می شود برکوه اشغالی که رویش راندن کوتاهی است برف گرفته خندیده؟ نه. آنها که می خندند حصار آتش مذاب در دل کوه بی خرنند. آری این کوه با این قلب براز آتش ختا روزی در باروزد منفر می شود و توقت برف که سیل است تا تک و توپ و ز راهم ذوب می کند و دهان آنکس را که فرمان آتش داد تا سینه برادر بررگان، رفیق با شعور و با شوقمان را سوراخ سوراخ کند، ابتدا از هم می درود آنگاه می سوار شد راستی آبارو دهه از هم پاشیده و سوخته مردوران آدمکش رژیم پهلوی را بر سر شاخه های درختان کنار حصاران بدیدید؟

مرگ بر امپریالیسم امریکایی و مترجمین وابسته به آن

دانش آموزان مبارز ایران  
چریکهای فدائی خلق ایران - کمانشاه

که می گفتند "تمام قرارداد های اسارتبار نظامی با امریکاییان فوکن" و آنها بی کسه می گفتند... همه "ضد انقلاب" شدند. همه فاسد شدند. همه پست و زلزل و خاشن به دین و ملت شدند. همه خرابکار شدند همه شان خرمن مردم را آتش می زدند و بعد دیدیم که این دولت و آن شورای انقلاب بتمام روشنفکران مترقی و زحمتکش ما، با تمام فرزندان دلیر و شفته آزادی و مساوات "انقلابی" عمل کردند. همه را چو حیثانه به رگبار گلوله بستند. خیلی راحت در عرض چند ساعت همه را مفیدی الارض و محارب با خدائشیم دادند و تیرباران کردند. شهر خاموش شد. سکوت غم انگیز و سنگینی بر شهر حاکم شد. همه شوکه شده بودند. گنج بودند. توی این فکر بودند که چه بر سرشان دارد می آید. ماکرگی را دوست داشتیم و داریم گرجی به مدارس مبارزه آموخت. گرجی حلم ما بود. اولین بار گرجی بود که با افشگری های شجاعانه خود در سر کلاسها چشم مارا باز کرد. وقتی که از اوضاع کلافه می شد دیگر بی محابا همه چیز را می گفت و مفقه دلش را خالی می کرد. می گفت: "دلم می خواهم همه شما بروید دانشگاه". می گفت "همه شما از بچه های زحمتکشید، محرومیت دیده اید، دانشگاه بروید، خیلی چیزها دستگیرتان می شود". بچه ها راه فکر کردن و کتاب خواندن تشویق می کرد. برای مثال آخری ها صبحهای زود ساعت شش و نیم تا هشت کلاس کنکور می گذاشت و با همه به قول خودش تست کاری کرد. وقتی که درس می داد فقط فرمول خشک نبود، بحث می کرد و خیلی هوشیارانه بحث را به مسائل اجتماعی می کشاند. ماکرگی را دوست داشتیم. همه گرجی را دوست داشتند. همه خون پاک و شریف شهید گرجی را با ادامه راه گرجی با پاسداری از آرمانهای گرجی بباس می دارند.

آنها گرجی را در کمانشاه، در خانه خود دستگیر کردند و بعد از مدتی خیلی کوتاه بی شرمانه او را به جرم دروغسین دخالت در جریانات پاوه به گلوله بستند. همین راستی آنها شرم نمی کنند؟ آن اسلامی که اینهمه از مدل و انصافش دم می زدند این است؟ پاسداران در شهر تابع کرده اند که یک چمدان اسلحه از خانه گرجی بیانی به دست آمده است. این شایعات فقط برای توجیه جنایاتی است که خیلی وحشیانه ترتیب شده اند. همان برنده و کوبنده ما، ذهن کنجاکو و هوشیاری او از هر سلاحی برای ارتجاع و دشمنان آگاه کننده تر بود. با تیرباران گرجی انگار از هر خانواده کرمانشاهی جوان بروندی را تیرباران کردند. هر خانواده ای که بچه مدرسه رو داشت گرجی را می شناخت. همه گرجی را می شناختند. تمام معلمان نیز به داشتن همکاری چون گرجی افتخار می کردند و می کنند و به همین وجه ارتکاب شهادت رفیق مبارز شان بی تقصارت نخواهند گذشت.

راستی چه شده است؟ چنانقاسی افتاده است؟ مگر همین نبودند که با کینه و نفرت به آدمکشهایی رحمی های شاه خائن اعتراض می کردند. پس چرا حالا خودشان بی خودی جهت آدمشایی خدمتگزاران انقلابی راه جرم "ضد انقلاب" و توطئه علیه جمهوری اسلامی تیرباران می کنند. ساواکی ها و ادکتان حرفه ای را می بختند و آزادی می گذارند. آنوقت ده نفر ده نفر از فرهنگیان و مردم صدیق را تیرباران می کنند.

آنها بی که می گفتند: "بازگان، با امریکایی و موامالتش انقلابی عمل کن" آنها بی که می گفتند "زمینهای سلطنتی و گردن کلفتها را بین دهقانان بی زمین و زحمتکش تقسیم کن" آنها بی که می گفتند "تمام سرمایه دارهای امریکایی اخراج شوند و کارخانه ها را از آنها اداره کنند" آنها بی

## بخشی از پیام پرسنل انقلابی به مناسبت ۱۷ شهریور:

# "آیا هفده شهریورها تکرار نخواهد شد؟"

امروز با سخنان دیروز چه می شود؟ مدهای از نظامیان تحریک شده و عناصر وابسته به رژیم سابق همراه با پاسداران برای کشتار خلق کرد از یکدیگر پیشی گرفتند و عناصر گارد جاویدان در لباس پاسداران به سوی خلق بی پناه کرد آتش کشیدند. برسل انقلابی که با خود عید بستم اندر بروی خلق خود آتش نکشید بر میانی خود ماندند و ار رمتن خود داری نمودند و اینک به جرم "تبر" در سپاههای حشدی به استنظار بیدادگاههای شاهنشاهی هستند. و نغزای پرسنل نظامی که به طلعت ماهره بودند تیرباران شدند و مدهای نیز در پرسیده بودند تحت عنوان "ضد انقلاب" تیرباران شدند و مدهای نیز از پادگان تربت حیدریه گریختند.

پرسنل انقلابی با ایمان خود به مبارزات حق طلبانه خلق ها اصلاح می دارد کسانی که ارتش را برای اعمال قدرت و سرکوبی خواسته های قومی و درون مرزی به کاری گیرند آگاه پاسا ناگاه چهار نعل به دامن امپریالیسم می تازند اینک ارتش شاهنشاهی حامل کشتار سی تیر، کودتای ۲۸ مرداد و ۱۷ شهریور و ... می رود تا سنگرهای از دست رفته را به دست آورد و راه برای ورود امپریالیسم آماده کنند.

اعلام ممنوعیت نظامیان به احزاب، بازاری و ضد اطلاعات و شعورای تداوم انقلاب، معو عناصر مزدور و بازگرداندن آنها به متغافل حواس، انحلال شوراها و یک بازی ژنرالهای امریکائی، اعدام و شکنجه و زندان پرسنل انقلابی نشانده آنست که در آینده ای نه چندان دور هفده شهریورها بی دیگری راه چشم خواهیم دید.

پرسنل انقلابی

بکانه در هرمان خائن به جای و سران کردن نهادهای سرکوبگر گذشته، دستور ترمیم و میرت آنها را صادر کردند. آنگون بعد از گذشت چند ماه از قیام بهمین پسو اثر بهمی گذرد؟ پرسنل انقلابی که در سربانی قیام با خالی کردن پادگانها و بازگشت به آغوش خلق غسود در راه سرکوبی رژیم پهلوی جانفشانی کردند در تلاشی بی کبر و شانه ریزی بران شدند تا مسائل اجتماعی - اقتصادی را درون پادگانها بپروند و با مشارکت نظامیان آنها را به کم و کیف امور آگاه کنند و با سیاسی کردن ارتش رسالت واقعی آنها را که حفظ منافع زحمتکش است به آنها تفهیم نمایند. اما امپریالیسم و ارتجاع داخلی که منافع خود را موقتا از دست داده است بیکار نشست و به اختلافات عقیدتی و قومی دامن زد و از سوی دیگر بانگ برافراشت که مملکت در شرف تهریه است و تنها راه نجات ارتش است تا سبیل سلاحهای نظامی دیگر باره به ایران سوازی شود و ثروت مملکت به تاراج رود و ارتش به عنوان حماق سرکوب سرمایه داران، جانی تازه بیابد.

ورود نظامیان در احزاب مسسوع شد و شوراها یکی بعد از دیگری از درون تپی و فرمایشی شدند. پرسنل انقلابی از ماها قبل خواستار آن بودند که برای حفظ دستاوردهای قیام خونین ارتش را در مسائل درون مرزی شرکت ندهند...

فرمان بسیج عمومی صادر شد و نظامیان بر سر دوزخی رفتن یا رفتن قرار گرفتند. مگر تا همین دیروز و همسران فعلی فریاد نمی زدند "نظامیان سرسوی مردم آتش نکشید و از پادگانها فرار کنید". مگر تا همین دیروز فریاد "برادر ارتشی چرا برادر کنی؟" در غیاب پادگانها شنیده نمی آنگند؟ مگر تا همین دیروز کسانی که بروی خلق خود آتش کشیده بودند به جوخه های آتش سپرده نشدند؟ پس فرمان

هفدهم شهریور سرآغاز فسلی خونین بر تاریخ مبارزات خلق قهرمان پرور ایران است. سالی از آن روز خونین گذشت. روز فریاد و گلوله و پیام خلقی مبارز برای سرکوبی رژیم فاسد و جلاد. دستور وحشیانه ترین کشتار قرن به وسیله شاه خائن داده شد و ارتش مزدور ما بر اجرای این جنایت هولناک گشت. میدان زاله ارضی رود جولانگه تا تک ها و مزدوران نظامی شد. تا تک ها و مسلل ها در اطراف میدان زاله مستقر شدند و مزدوران موم گرفتند تا با کشتار خلقی قهرمان، به آربابان امریکایی شان فرصت بیشتری در غارت و استعمار خلق زحمتکش مینشان بدهند. و چنین بود که زاله معادگاه جدال مشت و گلوله شد و معاد مردمی برای شهادت و راهی از رژیم دیکتاتوری و شاهنشاهی.

ارتش شاهنشاهی، تربت شده مستشاران نظامی و سیا ای امریکا و سرکوب کننده مبارزات حق طلبانه خلق های تحت ستم منطقه مانند طفا اینک سراپا صلح آماده بودند تا در میدان زاله در برای غروشان خلق را به گلوله ببندد. فرمان آتش به وسیله فرماندهان خود فروخته صادر شد و حماسه آفریده گشت. حماسه هفده شهریور سند تنگ امریکا و ارتش مزدور و افتخار خلق قهرمان ایران شد.

اینک سالی از آن روز سرخ شهادت می گذرد. شهیدان گلگون کفن در بستر ننگ خاک خفته اند. شاه گریخت و امپریالیسم امریکا از هجوم خلق کاسی به عقب نشست و ارتش شاهنشاهی در روزهای حماسه آفرین بهمین از رهبران انقلابی توده ها ضربه ای جانانه خورد و می رفت تا با ختم انقلابی خلق ما شین سرکوبگر دولتی از بسج وین نابود شود. اما بسا گذشت روزها و ماها کوشش فراوان شد به لطائف الحیل از شور انقلابی توده ها

## تظاهرات و راهپیمائی دیلمه های بیکار در تهران

بیکاری، بیکاری، بیکاری عامل هر فساد است. "دیلمه های بیکار که مدار خود را در هسوا تنگان می دادند ساعت حدودیاز ده ونیم روز یکشنبه اول مهر از خیابان استاد مطهری (تخت طاووس) تا نخست و وزیر راهپیمائی کردند. آنها بخدا به دنبال چاپ آکبسی استخدام در هوا پیمائی ملی در آنجا مجمع شده بودند و بعد از آنکه تعداد محدودی از دیلمه ها پذیرفته می شوند، از بقیه خواسته می شود که محل را ترک بگویند. و در مقابل اعتراض دیلمه ها، چند پاسدار اقدام به تیراندازی می کنند. به دنبال تیراندازی، جمع بیکاران نه تنها متفرق نمی میشود بلکه دادن شعار می پردازد که "دولت انقلابی چرا تیراندازی در اینجا جیت شرم به حرکت کرد و سرخست طاووس تا نخست و وزیر راهپیمائی از این قبیل بیومد. " ما دیلمه ها بیکار هستیم. " مرگ بر سرمایه دار عامل

بیکاری، بیکاری، بیکاری عامل هر فساد است. "دیلمه های بیکار که مدار خود را در هسوا تنگان می دادند ساعت حدودیاز ده ونیم روز یکشنبه اول مهر از خیابان استاد مطهری (تخت طاووس) تا نخست و وزیر راهپیمائی کردند. آنها بخدا به دنبال چاپ آکبسی استخدام در هوا پیمائی ملی در آنجا مجمع شده بودند و بعد از آنکه تعداد محدودی از دیلمه ها پذیرفته می شوند، از بقیه خواسته می شود که محل را ترک بگویند. و در مقابل اعتراض دیلمه ها، چند پاسدار اقدام به تیراندازی می کنند. به دنبال تیراندازی، جمع بیکاران نه تنها متفرق نمی میشود بلکه دادن شعار می پردازد که "دولت انقلابی چرا تیراندازی در اینجا جیت شرم به حرکت کرد و سرخست طاووس تا نخست و وزیر راهپیمائی از این قبیل بیومد. " ما دیلمه ها بیکار هستیم. " مرگ بر سرمایه دار عامل

## خطاهای ما و عوام فریبی های ...

که وقتی مردم می پرسند شما از کجا متوجه شدید که مکن وسند اشتباهی است هرگز نمی گویند قبل از اینکه ما این پوسترها را چاپ کنیم خود سازمان از اشتباهی که رخ داده بود رسا سبذر خواسته بود و ما از آنجا می دیدیم که اشتباه شده است. به هر حال اینها در قیامه با مجموعه وظایف و مسولیت هائی که بردوش ماست تظاهرات را چه به نظریه رسد، اما باید توجه داشت که ارتجاع موندی تر از آنست که از هر خطای کوچک ما کوهی سازد و علیه ما موم فریبی نکند. از اینرو ما بویکدام وظیفه که همواره من بکار برسد کمال دقت در بخش اخبار، انتشار اسناد و افشگری سیاسی و غیره مواظب باشیم که چنین خطاهائی تکرار نشوند و در همین حال باید این موم فریبی ها و موم فریبی موزدبانه ارتجاع را قاطعانه افشا کنیم و اجازه ندهیم این خبرگان مرصه تزویسر و پراوین حرفان حرفه ای باغی به پیشتر این ذهن مردم زحمتکش را به زهر جلی خنامسوز آلوده سازند.

اصلا انتظار نداریم آنها صادقانه برخورد کنند و این راهم زیر آن شرح کشف اضافه کنند که ما از روی تکذیب و توضیح خود روزنامه کار می دیدیم که سند اشتباهی چاپ شده است ولی با این همه ترجیح می دهیم علیه فدائیان سبشی کنیم زیرا فدائیان طرفدار طبقه کارگر و خواهان سحر استعمار و مخالف سرمایه داری هستند و ما طرفدار طبقه سرمایه دار هستیم.

همچنین است در مورد آن پوستری که جنایات ارتش را در جنگ سنج نشان می دهد. ما اطلاع داشتیم که هوا د اران سازمان در سنج پوستری چاپ کرده اند که یکی از کمپانی آن اشتباهی بوده و بلافاصله مورد تکذیب دفتر سواداران سنج قرار گرفته است. اما مترجمین این پوستر را هم در کتاب آن سند صورت حساب چاپ کرده اند و به دردی سوار سپانده اند و هنوز هم بعد از ۲ ماه فالانزها دور آن جمع می شوند و با انگشت برای مردم توضیح می دهند که بینیم فدائیان دروغ گفتند. اما جالب است

# دراهنز از باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کنفرانس وحدت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
بالاتر اجتماعی ترین جناح هبات حاکمه همداشته است. (قسمت دوم)

# مسئله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی خلق کرد جدا نیست

در شماره قبل موضع ارتجاعی "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر" را در رابطه با مبارزات خلق کرد مورد ارزیابی قرار دادیم و گفتیم که چگونه "کنفرانس وحدت" با دیدگاههای التقاطی خود و چسبیدن به تز انحرافی و مرتجعانه سوسیال امپریالیسم هنوز تکلیف خود را با صف نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، با صف نیروهای مترقی و مرتجع روشن نکرده است و بدون اینکه علاقه در مبارزات توده‌ها شرکت داشته باشد، تنها با اتکا به عبارت پردازی های کلیبی و فرصت طلبانه به همصدائی با ارتجاعی ترین جناح هیئت حاکمه و ادارشده است. حال در این قسمت ضمن اینکه نمود عملی این دیدگاه التقاطی را در رابطه شخصی با مبارزات خلق کرد بررسی می کنیم موضع خود را نسبت به حزب دموکرات کردستان نیز روشن نمودیم در رابطه بین مسئله ملی و مبارزات طبقاتی خلق کرد را به اختصار شرح خواهیم داد.

متذکرید؟ و چرا می خواهید همه را در آن واحد به جنگ با خلق کرد بکشانید؟ تصریح می کنیم خطرناک ترین جنبه کارترین نیروهای ارتجاعی سازمان یافته گورد "قباده موقت" است. (تاکید می کنیم نیروی کرد) و بر این اساس می توانیم بگوئیم که در راه افشارگری و شناساندن ماهیت آن به یگانگی و پیش از همه تلاش کرده ایم. بگونه‌ای که امروز دیگر قباده موقت از صفوف خلق کرد کاملاً بیرون رانده شده و ماهیت ارتجاعی

## کوشش در جهت عمده کردن مسئله ملی و تحت پوشش آن به استقبال آشتی طبقات رفتن یک سیاست گاملا بورژوازی است.

دوستان می گوید عوامل فربهی محض است باین همه می پذیریم که بهائیه کردستان نتوانست تصویر واقعی و درستی از حزب دموکرات کردستان ارائه دهد و آنجا که تحلیل جامعی از حزب دموکرات کردستان کانون ارائه نشده است موضع سازمان در شماره ۱۰۰ حزب در ذهن نیروها عملاً مخدوش شد. از این رو ضروری می دانیم در پایان این مقاله تحلیل موضع خود را نسبت به حزب دموکرات کردستان ارائه دهیم:

۱- تاریخچه حزب دموکرات کردستان با حدود ۳۵ سال سابقه قدیمی ترین سازمان سیاسی کردستان است. این حزب پیروز شکست حکومت ملی و محلی قاضی محمد در سال ۲۵ به شمع اهلالتی حزب شده ایران بدل می شود که فقط تحت پوشش نام دموکرات عمل می کرد. در سال ۳۲ و ۳۸ رهبران آن دستگیر و به عنوان کمیت اهلالتی حزب توده ایران شناخته شدند. تا سالهای ۴۰ همه عناصر ملی و مبارز کرد در این حزب فعالیت می کردند و به جز آن هیچ جریان سیاسی دیگری در کردستان وجود نداشت. اما از نیمه دوم دهه ۴۰ نیروهای سیاسی رادیکال تریبا متغذ به امر ملی طبقاتی از میان همان جریان قدیمی شکل می گیرد. ملی سالهای ۳۷-۴۲ یک جریان رادیکال ملی که بر سر شیوه عمل مبارزه در داخل ایران با رهبری حزب اختلاف داشت با نام کمیته انقلابی حزب دموکرات آغاز به کار کرد که در سطح جنبش با نام جنبش مصلحانسه ۳۶-۴۶ شناخته شده است. در این جریان وجود عناصر مارکسیست نظیر شریفزاده رادیکال آشتی ناپذیر مانند برادران مینعی، ملا آواره، صدیق انجیری و... را می بینیم.

بعد از شکست این جنبش، رهبری کنوسی حزب دموکرات باتکیه بر این شکست سیاست ملی عملی خود را هر چه بیشتر تحت عنوان برخورد منطقی توجیه نمود و همچنان خارج از کشور در محفل‌های جدا از هم مبارزه خلق در کردستان باقی ماند.

همین رهبری در نخستین سالهای دهه ۵۰ بر سر انتظار حزب توده که خواهان تبعیت آن از مرکزیت حزب توده بود، عملاً از حزب توده جدا شد و در سالهای اخیر با احیای فعالیت حزب در کردستان با نفوذی که در کردستان داشت به صورت جریانی مستقل از حزب توده با شعار خود مختاری به فعالیت پرداخت و در تمام این مدت محور شکل آن مبارزه همراه کبحدود

و وابستگی آن به امپریالیسم و صهیونیستهای اسرائیلی افشا گردیده است. باین همه در شرایطی که حناهای ارتجاع حاکم اینگونه در کردستان بیداد می کنند، نباید خلق کرد را با الهامانه زیر شعار "پیش سوی اخراج قباده موقت" کشید و بدین وسیله نیروهای مبارز کرد را غافلگیر کرد. این شعار در این شرایط چنانچه ناشی از بلاهت سیاسی نباشد (که به اعتقاد ما هست) توسطه آگاهانه است علیه خلق کرد.

سازمان مادر روزهای قبل از اوچگری تشجعات در کردستان، در فاصله تیسرو نرداد، ضروری می دانست که موضع خود را در مقابل تحلیل ها و خط مشی سازمان های سیاسی کردستان اسلام نماید. اما با بحرانی شدن اوضاع و تشویش کشتی که در ارتجاع به کردستان ماهی درستی به این نتیجه رسیدیم که در آن روزهای حساب هر تحلیلی که بهانه بدست نیروهای ارتجاعی وابسته به سبورژوازی و خرد به سبورژوازی داده و مسئله محکومیت نیست خلق کرد و سازمانهای سیاسی آن فرار کرد چیزی حزم نوانی با هیات حاکمه نخواهد بود پس شکست چنین برخوردی در آن روزها بر ضروری بی نهایت فرصت طلانه بود. این برخورد ها همان برخوردی است که حزب توده در کار بست آن مبارتی خامی یافتند است.

بعلاوه ما خود را موظف می دانستیم در برابر تلاش وسیع رژیم برای لعن مال کردن حزب دموکرات و از آن میان بساز کردن راه برای سرکوب سبقت خلق کرد به دفاع از آنها بر عزیزیم این شرط صداقت انقلابی بود و می بایست بسا صراحت و روشنی تمام بیان می شد.

کنفرانس وحدت در یک موضع ارتجاعی چنانکه گفتیم چنین نکرد و حزب توده با آن بز ترجم انگیزش به دیپورگی ارتجاع رفت که "می بینید ما نیستیم پس چرا ما اذیت می کنید؟" همسوس شنیدند که اولی دموکراتها را "سوسوس" عامل بیگانه "حرفی کرد و دیگری مقاومت خلق کرد و سازمانهای سیاسی آن را مذبذبه تحت عنوان خورنگ کن "صد

## برای پرولتاریا موضوع مهم عبارت است از تحکیم طبقه خویش بر ضد بورژوازی و تربیت توده‌ها با روح دموکراسی پیگیر و سوسیالیسم

انقلاب " کشید و سعی کرد پای حد را از ما خارج برون بکشد. مدافعان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان، حزب دموکرات کردستان و سازمان فدائی و سایر نیروهای سخت مقاومت خلق کرد را در برابر دولت مرکزی و ارتجاع حاکم و طغیان همسوس نیروهای مبارز و انقلابی می دانیم و اعلام موضع قاطع در برابر خواست خود مختاری خلق کرد و تأکید قاطع حق تعیین سرنوشت خلق کرد را تنها موضع واقعا پرولتاریائی می شماریم و در بیانیه کردستان و در تمام شماره های نشریه کار نیز ما بر همین اساس حرکت کرده ایم. مابه صراحت نشان داده ایم که آنچه رژیم در مورد حزب دموکرات

کنفرانس چی هاد را بنحایتها مشت خود را در زمینه همصدائی با ارتجاع حاکم روینکرده اند. دیدگاه و درکی که ارائه داده اند به غایت بورژوازی و غیر پرولتاری است. کجای فرهنگ مارکسیستی برای حمله به یک جریان آرترا" وابسته به سگانه " حرفی می کنند. سبب جد قدر و تا کما آشکارا استریا سوسیالیسم پرولتاریائی برپا در فته است کنفرانس چی های ما فراموش کرده اند کی هستند و از چه کسانی دفاع می کنند؟ برای آنان که واقعا در راه آزادی طبقه کارگری رزمند بیگانگان و وابستگی به سگانه تنها و از هائی است که بورژوازی برای تحمیل پرولتاریا و ماتالی کردن خط و طوطی طبقات به کاری برد. شمار مارکسیست‌های واقعی این است " پرولتاریای سراسر جهان متحد شوید. و راه‌های چون اجتنی و اجتنی برستی سلاح کهنه‌کنندگی است که بورژوازی علیه این شماره کاری گیرد. تاریخ ثابت کرده است که میهن پرستان برای آزادی و استقلال خود در برابر وادار و باید دید کدام میهن؟ میهن سوسیالیستی یا بورژوازی؟ مگر نه اینکه مارکسیسم

## برخورد کمونیستها با حزب دموکرات باید بر پایه خط مشی و سیاست حزب صورت گیرد نه بر پایه مبارزه با "پورتونیسیم" در درون آن.

منادی و موقوت اتحاد کارگران با پرولتاریای کشورهای دیگر حتی علیه بورژوازی خود است؟ کنفرانس با بکار بردن این واژه صراحتا دست اتحاد به سوی بورژوازی دراز کرده است و به طور درشت به راه احزاب هیئتکار انترناسیونال دوم و ابدهای مرتجعانه کائونسی و جریانیهای بورژوازی ناب افتاده است.

بورژوازی اینطور تبلیغ می کند که این خاک میهن است که برای ما عزیز است. ما می گوئیم این مردم زحمتکش میهن ما است که برای ما عزیز است. مردمی که متحد طبیعی همه انسانهای زحمتکش سراسر جهانند. خرد بورژوازی و تزویرت وحدت اسلامی را مطرح می کند. آنها می گویند وطن ما آنجاست که اسلام حاکم است. و پرولتاریا می گوید ما هم میهنی هستیم و وطن ما آنجاست که مردم نبرهان هستند.

فقط سرمایه داری است که می گوید: ما میهنی شناخیم. مرزهای میهن ما تنها آنجاست که بازارهای فروش آن در دست ما است. مرز میهن ما آنجا است که پرولتاریای آن را اجیر کرده ایم. امروز که کنفرانس به این موضع غلط می رسد است فردا که نبرد طبقات بالا گیرد چه خواهد کرد؟ علوم نیست فردا در برابر اتهامات رنگارنگ بورژوازی چه میگوید؟ در اینجا باید یادآوری کنیم که دنباله‌روی از احزاب کمونیست سارکونورها قبل از آنکه فاداریه انترناسیونالیسم پرولتاریایی حساب آید مجزواتوانی از تکیه به نیروی بیکران توده‌های است که بدون اتکا بر آنها انقلاب هرگز به ثمر نخواهد رسید. محروماتوانی در ارائه تحلیل‌های است که باید راه‌های عمل بیشتر پرولتاریا

۱- دنباله روی بی قید و شرط حزب توده از دولت شوروی ( که به اعتقاد ما این انتقاد نه ناشی از اعتقاد به سبب های مارکسیستی که ناشی از عملکرد گرایش ناسیونالیستی در همین جناح به اصطلاح مارکسیست است ).

۲- سیاست دنباله روانه حزب توده را از حاکمیت موجود نفی می کنند و پذیرش درست رهنری روحانیت از جانب حزب توده را به زبان جنبش ترقی خواه خلق می شمارند ( دلیل این موضع حزب دموکرات نیز ناشی از موقعیت انقلابی موجود در کردستان و همچنین سیاست تنگ نظرانه، انحصار طلبانه و سوسیالیزم خصمانه ای است که ارتجاع حاکم در کردستان در پیش گرفته است ).

۳- معتقدند رهبری حزب توده که از کنگره دوم حزب در ۳۰ سال پیش تا امروز در این کارها بوده است صلاحیت رهبری ندارد و باید کنار برود. از آنجا که ما معتقد نیستیم حزب دموکرات کردستان یک جریان مارکسیست نیست است ما آن را در درون جنبش کمونیستی ایران قرار نخواهیم داد. ما معتقدیم حزب دموکرات کردستان یک جریان دموکراتیک با گرایش لیبرالیستی است و عمدتاً متکی به افشار متوسط خلق کرد است و برای حل مسئله ملی در کردستان مبارزه می کند. این حزب تا امروز کلا در چهار چوب کلی نیروهای جبهه خلق در ایران قرار داشته است.

برخورد ما با این حزب باید لزوماً بر پایه این شناخت قرار گیرد. هر توجیه ارزایی نادرست از آن موجب می شود که به همکاری و اتحاد نیروهای ترقیخواه در کردستان آسیب های جدی وارد آید. برخورد کمونیستها با حزب دموکرات باید بر پایه خط مشی و سیاست آن حزب صورت گیرد نه بر پایه مبارزه با "پورتونیسیم" در درون آن. مبارزه با دشمنان لویزیک با آنان نه بر پایه تصمیم انحرافی آنان از مارکسیسم - لنینیسم بلکه بر اساس توضیح ماهیت خرد بورژوازی و دموکراسی غیر پرولتاریائی برای جنبش کمونیستی ایران است. زیرا شرط اتحاد نیرو با حزب دموکرات دقیقاً در همین مرزهای قاطع نهفته است حزب دموکرات حزبی است معتقد به سازش طبقات و تخفیف مبارزه طبقاتی در کردستان و حال آنکه برای هر مارکسیست لنینیست گسترش مبارزه طبقاتی و کاتالیزه کردن آن تحت رهبری جریانیهای پرولتاریائی اساسی است حزب دموکرات به دهقانان تومیسه می کند اکنون که مسئله ملی در میان است درست نیست علیه آنها با او با زمینداران اقدامی بکنند. اول مسئله ملی را حل کنیم، بعد به اختلافات درونی خودمان بپردازیم. به اقتضای ماکوشن در جهت عمده کردن مسئله ملی و تحت پوشش مساله ملی به استقبال آشتی طبقات رفتن یک سیاست کاملاً بورژوازی است. سیاستی است که تنها مساله ملی را حل نمی کند بلکه اتکا به زمینداران و بورژوازی کرد با سیاست می شود که چرخ مبارزه ملی نیز کندسترس شود و خیانت آنان فرصت بیشتر مبارزه از خلق کرد بازماند.

هدف کردن مسئله ملی منحصراً دموکراتیست. خلق کرد موماد در سطح متفاوت تحت تاثیر ناسیونالیسم قرار دارد که طبیعتاً ناشی از است ملی است. هم اکنون به ویژه پس از پیروزی وحشیانه ارتش و پاسداران و کشتار خلق کرد آشکارا تمادهای طبقاتی باز هم بیشتر به فراموشی سپرده شده و تحت الشعاع مساله ملی قرار گرفته است. این است حاصل پیشبرد سیاستی خرد بورژوازی و بورژوازی ناسیونالیستی که در متن سرکوب و ستم طولانی و سنگین سرمایه داری شتگر در جامعه طبقاتی ما سخت خلق کرد را در حصار خود گرفته است.

این شیوه بورژوازی است که همیشه خواستهای ملی خود را در درجه اول قرار دهد و آنها را بدون هیچ تمسک و شرطی مطرح سازد. برای پرولتاریا این خواستها تابع منافع مبارزه طبقاتی است. از نظر تفرقی نمی توان از پیش تعیین کرد که آنها این جدا شدن مناسبت است که انقلاب بورژوازی دموکراتیک را به پاس خواهد رسانید یا برابری حقوق آنان همان ملت دیگر؟ چیزی که در هر دو مورد برای پرولتاریا مهم است تأمین تکامل طبقه خود می باشد. برای سبورژوازی بقیه در صفحه ۷

# سرکوب خلقها خواست امپریالیسم و ارتجاع است

# ک

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بقیماز صفحه ۱

## به دنبال تصویب ولایت فقیه خیمه شب بازی مجلس خبرگان ...

واخوری، فیزیکی و شیمیایی، پزشکی و کشاورزی، صنعتی و تجاری و بالاخره همه امور را یک تنه حل و فصل خواهد کرد و با حذف همه تاسیسات عرض و طولی دولتی، از اسراف بیت المال، هم صرفه جویی خواهد کرد.

با گنجانیدن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی و به کرسی نشاندن این طرز تلقی در قانون عملاً تمام اصول قانون اساسی تحت الشعاع این اصل قرار گرفته است. در حقیقت بقیه اصول قانون اساسی یعنی کثک، یعنی حرف مصلحت چرا که همه امور به جانشین اسام و در حقیقت روحانی و علمای دین محول شده است. روی هراسانی انگشت بگذاریم روح این طرز تلقی از حاکمیت فقیه در آن مشاهده می شود. و این درست خلاف آنچه می باشد است که مردم ما سالها برای به دست آوردن آن مبارزه کردند. مبارزه برای ایجاد حاکمیت خلق، یعنی حکومت مردم برای مردم، با تعمیم ولایت فقیه به قانون اساسی، دیگر حاکمیت مردم در دین و به شیوهان مذهبی حکومت

روفت و آمدهای زائد "خبرگان محترم" خلاص می شدند. مجلس بررسی قانون اساسی پس از آن انتخابات قلابی که در محیط تروری و وحشت و اختناق انجام گرفت بالاخره در کاخ "مجلس سنای آریامهری" تشکیل گردید. به خون کشیدن تظاهرات مردم حمله و اشغال و آتش زدن دفاتر سازمانهای

از همان ابتدای تشکیل مجلس موسسان معلوم بود که نیت کار چرخانان این مجلس آن است که طرح قشرونی و انحمار طلبان را در مورد قانون اساسی به یاد بکنند.

قربانی هادادند. این اصول اصل حاکمیت خلق و آراء مردم را آشکارا نقض کرده است. اصلی که مشروطه خواهان ۷۰ سال پیش برای تصویب آن خون داده بودند (هرچند که طی این مدت هرگز تحقق نیافت).

مجلس خبرگان حق حاکمیت رانه از آن مردم، گفاز آن روحانیون و به شیوهان مذهبی می داند و این امر را اصل ۵ قانون اساسی که "ولایت فقیه" را تصویب کرده گنجانیده است. "شاکار" تزیه گردانان مجلس خبرگان در تصویب اصل ۵ یعنی حاکمیت مطلق فقیه مجلسی شده است. از این اصل به صراحت

با تعمیم ولایت فقیه به قانون اساسی، دیگر حاکمیت مردم در دین نیست حاکمیت در انحصار علمای دین و شیوهان مذهبی است.

می کند. به عبارت روشن تر ولایت فقیه حکومت فردی فقیه بر مردم است. و این آشکارترین و عبران ترین حکومتی است که در دوران ماسواست با استبداد فردی، چیزی که مردم ما سالها از آن رنج بردند و بالاخره تنها با قیام خود توانستند آن را سرنگون کنند. بحث در باره مجلس خبرگان و اصول تصویب شده نجات بررسی های وسیعی است که از حوصله این مقاله خارج است و ما سعی نمی کنیم در شماره های آینده، در مهوده صفحات نشریه، به آن بپردازیم. اصلاً آنچه در پایان این بحث باید متذکرینز شویم این است که:

تاریخ به کرات نشان داده است برخلاف تصور کسانی که براریک قدرت تکیه زده اند قوانین هر قدر زور و قدرت هم پشت آن باشد و به انگای سرکوب نیروهای انقلابی و با استفاده از انانگامی توده ها و فریب آنان امروز به راحتی به تصویب برسد در صورتی که با شرایط زمان و نیازهای عینی و ذهنی جامعه و خواست مردم هماهنگ نباشد دیرری نخواهد پاید و با اراده مردم به زبالدان تاریخ سپرده خواهد شد. و بدیهی است که "خبرگان محترم" ما هم نخواهند توانست با تمام کتیکه و تدبیه و چنست مکانی که برای خود دست و پا کرده اند جلوی این حکم محتمم تاریخ را بگیرند.

مستفاد می گردد که این مردم نیستند که حق حاکمیت بر سر نوشت خویش دارند، بلکه این حق از آن کسانی است که در امور دین خیره هستند. اصل حکومت کردن را حق و وظیفه آخوندهای هادل و متقی می داند و می گوید تنها این فشر هستند که صلاحیت حکومت دارند و نه نمایندگان منتخب مردم. یادآور شویم که این اصل به قدری ارتجاعی بود که با مخالفت اکثر نمایندگان غیر آخونده مجلس مواجه شده

از همان ابتدای تشکیل مجلس خبرگان معلوم بود که نیت کار چرخانان این است که طرح قشرونی و انحمار طلبان را در مورد قانون اساسی به یاد بکنند. طرحی

کسه می گویند "علماء" باید ناظر بر دولت باشند خود دولت. با تصویب اصل ولایت فقیه در حقیقت نظام سلطنت به "خلافت" بدل شده است نه جمهوری، جمهوری تنها نامی است که به دروغ بر این رژیم سیاسی نهاده اند. ولایت فقیه مردم را در حد "مجهورین و صفار" می شمارد و فقیه عادل راه نیاخت آنها، یعنی ۲۰ میلیون مردم ایران به حکومت می شناند. به این ترتیب سگوال این است که دیگر چه لزومی دارد که اینهمه دم دستگاره وجود داشته باشد؟ چه احتیاجی است که مجلس شورایور رئیس جمهور و هیئت وزیران و غیره داشته باشیم؟ وقتی فقیه هست او می تواند همه کارها را بچند نفر دستیار و فرمان بر انجام دهد. او که بر همه امور اعم از اراضی و سماوی، دنیوی

سیاسی و انجمنهای دانشجویان و معلمین و تعطیل و اشغال خانه کارگر و سایر سازمانهای دمکراتیک و کتاب سوزان و همچنین تعطیل و تحریک و توقیف ۲۲ روزنامه سیاسی بایک حکم بی دلیل دادستان انقلاب اسلامی تهران همه اقداماتی بود که به عنوان مقدمات گنایش این مجلس می بایست صورت می گرفت و صورت گرفت. روزنامه نگاران خارجی به بهانه های مختلف از ایران اخراج شدند. لشکرکشی طبق نقشه به کردستان و حمله تبلیغاتی علیه خلق کرد در سراسر ایران انجام گرفت و صد هانفر از بهترین فرزندان خلق در کردستان و سایر نقاط ایران قتل عام شدند. در چنین اوضاع احوالی "خبرگان محترم" با خیال راحت در "کاخ سا" جلوس کردند تا برای مردم ایران قانون اساسی بنویسند. آن

انحصار طلبان در پوشش مذهب اکثریت قریب به اتفاق کرسی های مجلس خبرگان را به خود اختصاص داده و حتی نخواستند هیچ نماینده ای از خلق کرد را در بین خود ببینند.

انحرافات و تعاطلات ارتجاعی که در آن دیده می شود از این امتیاز برخوردار است که اولاً از تضاد عمده به نحو خوبی استفاده می کند (و علت آن برده شدن جلال و شکست نهایی او سلیمانان دیده گرفتار این تضاد عمده است) ثانیاً به روابط مشابری و همبستگی های قومی توجه کامل دارد. (ص ۶۲)

با تصویب اصل ولایت فقیه، در حقیقت نظام سلطنت به "خلافت" بدل شده است نه جمهوری، جمهوری تنها نامی است که به دروغ بر این رژیم سیاسی نهاده اند.

که روح شیخ فضل الله نوری را شاد کرد و در صورتی که زنده بود به "طراحان" آن صد آفرین می گفت. این امر اثبات همان پیش بینی ما بود که در مقالات قبلی خود در جریان انتخابات مجلس خبرگان به آن اشاره کردیم و نوشتیم که با اوضاع و احوالی که می بینیم متن قانون اساسی که در مجلس خبرگان به تصویب خواهد رسید به مراتب ارتجاعی تر از پیش نویس ارائه شده خواهد بود و در جهت تسلط هر چه بیشتر مرتجعین قشری و روحانیاتی که می کوشد همه چیز را در انحصار مذهب در آورد حرکت خواهد کرد.

## مسئله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی ...

میر معنی بخواستند. ولی ملیزم فئودال ها و بورژوازی ناسیونالیست این بگانه تضمین عملی و حداکثر تضمین برابری حقوق ملی و صحیح است. تمام وظیفه های که پروتاریا در مورد مساله ملی بر عهده دارد از نقطه نظر بورژوازی ناسیونالیست هر ملتی "فیر عملی" است. زیرا پروتاریا با دشمن هرگونه ناسیونالیسم است (لنین - همانجا).

مقایسه سیاسی که خلق ترکمن تحت رهبری ستاد شوراهای پیش گرفته است، سیاسی که مضمون اصلی آن تسخیر و سلب و سلب عمده تولید (یعنی زمین) و اداره آن توسط شوراهای دهقانی است درست در مقابل سیاسی قرار دارد که حزب دموکرات کردستان در قلمرو خود به کار بسته است. چنانچه صحت حزب دموکرات کردستان نیز از سپردن قدرت به دست دهقانان و تشکیل شوراهای دهقانی و اتحاد آنان در قالب اتحادیه های دهقانی دفاع می کرد، که بنابه ماهیت خود نمی تواند چنین سیاستی را پیش گیرد قطعاً همچون ترکمن صحت مبارزه در راه دفع ستم ملی، مقام ثابت خود را می یابد و در خدمت مبارزه طبقاتی قرار می گرفت.

گذشته از این عمده کردن مسئله ملی در این شرایط درست عادل است باین در دادن به گرایشهای ناسیونالیستی و تنگ نظری های غرده بورژوازی. مسأله از بورژوازی انقلاب دموکراتیک خلق در سراسر ایران قابل حل است و تنگ ذاهن به این گرایش ناسیونالیستی جز مخدوش کردن مبارزه طبقاتی و تحمیل توده ها و منحرف کردن ذهن آنان از دشمن اصلی خویش تشریح خواهد داشت. هر کس که به موفقیات ستر از یک منطقه و به موفقیات کنونی مبارزه طبقاتی در ایران اندک آشنایی داشته باشد نمی تواند امیدوار باشد که خلق کرد می تواند خارج از چهار چوب برابری آزاد و دموکراتیک به حاکمیت دموکراتیک دست یابد.

مهم این است که در برابر این تکامل اشکال تولید نماید و وظایف آن را تحت الشعاع وظایف ملت "خود" قرار دهد.

(لنین در باره خود مختاری فوریه - ۱۹۱۴ میلادی) آری، حزب دموکرات همیشه خواستهای ملی خود را در درجه اول قرار داده است. حزب دموکرات بنابه ماهیت فیر پروتاری خود تموری کنسد اشقی طبقاتی بهترین طریق پیشبرد مبارزه ملی برای کسب حقوق برابر را تضمین می نماید و بخصوص تأکید می کند که در کردستان هر ساستی که بخواهد مبارزه ملی را تحت الشعاع مبارزه طبقاتی قرار دهد، "فیر عملی" است که از حمایت توده های مردم برخوردار نمی شود. البته این درست است که پیشبرد ساست های بورژوازی - ناسیونالیستی و عدم اخامه آگاهسی سوسیالیستی در میان توده های خلق کرد موجب شده است که تکامل مبارزه طبقاتی "ملا" کند شود و تحت الشعاع خواستهای ملی قرار گیرد. این عملی تر بودن پیشبرد مبارزه ملی ناسیونالیستی است که حزب دموکرات سالها ترا تعقیب کرده است، که حاصل آن عدم اخامه آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی در میان توده های شکتش گرد است. طبعاً اگر این کوشش صرف آشناسی کردن دهقانان با حقوق حقه خویش می شد این وضع درست برعکس بود.

لنین در پاسخ به این مساله می گوید: "بگذار این عملی" نباشد ولی در عمل مطمئن تر از هر چیز دیگر دموکراتیک ترین راه حل های ممکنه را تضمین می کند. آنچه پیش از همه مورد توجه بورژوازی است "قابل اجرا" بودن این خواست است و سیاست دائمی و بند و بست وی با بورژوازی طشهای دیگر به ضرر پروتاریا را از چنانا می شود. ولی برای پروتاریا موضوع مهم مبارزه است از تمکیم طبقه خویش بر ضد بورژوازی و تربیت توده ها با روح دموکراسی بیکسو سوسیالیسم. بگذار فرصت طلبان این را

درا بنجالازم است اثار مکتوبی بنام در باره مبارزه در کردستان که همعین مواضع حزب دموکرات را در این زمینه تکرار کرده است (۲) این کتاب برابه دیوگ اثر رفیق شهید چریک فدائی خلق حمید موسوی حرملی کسردمو نام اروپای آن نوشته اند. علاوه باید توضیح دهیم که این کتاب به نیاخت ژورنالیستی است که مجموعه ای از وقایع جزئی و اطلاعاتی را در خود جای داده است. پیداست که نویسنده حقیقی کتاب که دیدگاههایی ناسیونالیستی داشته، هوادار دموکراتها بوده ولی بعداً به جریانات دنباله رو چمن روی آورده است.

در این کتاب آمده است: شتم های ملی و مذهبی حتی در کردستان تضاد طبقاتی را تحت الشعاع قرار داده است. به این ترتیب هر حرکت سیاسی - نظامی با توجه به این شناخت آغاز شده و تضاد طبقاتی از کانال تضاد ملی عمل خواهد کرد. (صفحه ۶)

### خانواده های زحمتکشان خواهان یکسان شدن امکانات آموزشی، بهداشتی و ورزشی مدارس جنوب و شمال شهر هستند.

طمان پتنام

# مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

# گرامی باد یاد معلم شهید رفیق هرمز گرجی بیانی



رفیق شهید هرمز گرجی بیانی

چهل روز از اعدام رفیق هرمز گرجی بیانی توسط مرتجعین جنایتکار می گذرد، سال گذشته که موج اعتصابات سراسری تمام میهن ما فرا گرفته بود در آغاز سال تحصیلی رفیق گرجی بیانی یکی از گردانندگان اصلی اعتصابات علمین و دانش آموزان کرمانشاه بود که نقش عمده ای در مبارزات اعتصابی و سیاسی مردم شهر علیه حکومت دیکتاتوری پهلوی به عهده داشت.

رفیق هرمز گرجی بیانی در اسفند ۱۳۳۴ در خانواده ای فقیر در محله سرپه کرمانشاه متولد شد. در کودکی پدرش را از دست داد و از آن پس سرپرستی خانواده را به عهده گرفت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تبریز و در ادامه در تهران و در نهایت در کرمانشاه گذراند. در سال دوم دانشکده به خاطر محبوسیتی که در آنجا داشت به عنوان فردی مبارز در ارتش و دانشجویان به عنوان نماینده دانشکده انتخاب شد. به خاطر او چریکهای مبارز ارتش و دانشجویان در کرمانشاه را به سرانجام دوره محکومیت رساند. به خاطر او نظام وظیفه معرفی شد و پس از هفت ماه اقامت در آنجا که اکثر اوقات در آنجا گذراند و در ارتش به عنوان سرباز در یک واحد آموزشی در یک کلاس درس در آنجا به سرپرستی رسید. در آنجا به عنوان معلم در یک کلاس درس در آنجا به سرپرستی رسید.

# یاد رفیق شهید، فدائی خلق، یعقوب تقدیری گرامی باد

رفیق امیر که نام اصلی او یعقوب تقدیری بود در سال ۱۳۳۰ در محله ستارخان شهر تبریز دیده به جهان گشود. دوران کودکی او در خانواده ای زحمتکش گذشت. فضای بسیار صمیمی خانواده برای او محیطی مناسب برای رشد و پرورش او بود. او یک شخصیت والای انسانی بود. صداقت، شجاعت، صداقت، خستگی ناپذیری و روحیه ای که برای او خصوصیات بارز رفیق بود.

یاد رفیق شهید هرمز گرجی بیانی در اسفند ۱۳۳۴ در خانواده ای فقیر در محله سرپه کرمانشاه متولد شد. در کودکی پدرش را از دست داد و از آن پس سرپرستی خانواده را به عهده گرفت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تبریز و در ادامه در تهران و در نهایت در کرمانشاه گذراند. در سال دوم دانشکده به خاطر محبوسیتی که در آنجا داشت به عنوان فردی مبارز در ارتش و دانشجویان به عنوان نماینده دانشکده انتخاب شد. به خاطر او چریکهای مبارز ارتش و دانشجویان در کرمانشاه را به سرانجام دوره محکومیت رساند. به خاطر او نظام وظیفه معرفی شد و پس از هفت ماه اقامت در آنجا که اکثر اوقات در آنجا گذراند و در ارتش به عنوان سرباز در یک واحد آموزشی در یک کلاس درس در آنجا به سرپرستی رسید.

**چرا باید در یک کلاس مدرسه جنوب شهر، بیش از ۷۰۰ محصل درهم بولند در حالیکه در مدرسه شمال شهر، همان کلاسها ۳۰ شاگرد داشته باشد؟**  
معلمان پیشگام

## خطاهای ما و عوامفریبی های ارتجاع

ارتجاع و امپریالیسم می گوید نقد را بمانند است که (به نظر حد اکثر افراد) مودی تر همین رژیم از جمله افرادی مثل دکتر یزدی) به این دردی خورد که آبروی اسلام را ببرد و مردم را نسبت به حکومت "بدبین" کند.

تنامی نثار هرات شرکت فعال دانشجو پس از اتمام سه ماه ننگان معلم آزاد خواه را تشکیل داد. بهار جنگ عده ما جمع آوری کمکهای مالی و اداری و عده ای به کمک مردم آنجا شام.

**نگراف**  
سازمان چریکهای فدائی خلق به جنبش آزادی بخش خلق آنکولا - «مبلا»:  
گرامی باد یاد رفیق آگوستینو نورو رهبر انقلابی خلق آنکولا

**بخشی از پیام پرسنل انقلابی به مناسبت ۱۷ شهریور: آیا هفده شهریورها تکرار نخواهد شد؟**  
در صفحه ۴

**بخشی از پیام دانش آموزان مبارز کرمانشاه به مناسبت اعدام رفیق گرجی بیانی: درود بی کران خلق به رفیق شهید هرمز گرجی بیانی**  
گرامی باد خاطر بهرمانی ها و خدمتگزاران های رفیق شهید گرجی بیانی

**آیا ایران به اسرائیل نفت نمی فروشد؟**  
همه شوقان با شنیدن خبر کاروان ماهیها پس از یک مناظره مطبوعاتی از اسرائیل سه بود منکوب کداس و الا حرمه ننگست که جزا ایران با معرفی جوسی بواسط جاری دارد.

# سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند

سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند. این شعار را در روزهای اخیر در محافل مختلف ایران شنیدیم. سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند. این شعار را در روزهای اخیر در محافل مختلف ایران شنیدیم.